



وہابیہ  
منطقہ برائے افغان  
اعزاز

پایہ دوازدهم

فرمولہ

عربی انسانی ۳

پایہ دوازدهم

مؤلف

خدیجہ علیپور

فرمولہ  
پست

# فرمول

## پیش

۲۳۰

پرسش تحلیل  
صرفی و محل اعرابی

۳۷۰

پرسش  
قواعد

۱۱۰۰

پرسش  
واژگان

۷۵۰

پرسش ترجمه  
و درک مطلب

۳۰۰

پرسش  
ترجمه فعل

۷:۳۰+

فیلم  
آموزشی  
ویژه  
شب  
امتحان



9 786220 307914

تهران، میدان انقلاب  
نیش بازارچه کتاب

[www.gajmarket.com](http://www.gajmarket.com)

# فهرست

## واژگان

بخش  
۴/۵  
نمره

### درس اول

۱۰۶	بسته ۱: معنی کلمات
۱۱۱	بسته ۲ و ۳: کلمات مترادف و متضاد
۱۱۴	بسته ۴: جمع مکسر
۱۱۵	بسته ۵: انواع اسم

### درس دوم

۱۱۷	بسته ۱: معنی کلمات
۱۲۳	بسته ۲ و ۳: کلمات مترادف و متضاد
۱۲۶	بسته ۴: جمع مکسر
۱۲۸	بسته ۵: انواع اسم

### درس سوم

۱۳۰	بسته ۱: معنی کلمات
۱۳۶	بسته ۲ و ۳: کلمات مترادف و متضاد
۱۳۹	بسته ۴: جمع مکسر
۱۴۰	بسته ۵: انواع اسم

### درس چهارم

۱۴۳	بسته ۱: معنی کلمات
۱۵۰	بسته ۲ و ۳: کلمات مترادف و متضاد
۱۵۲	بسته ۴: جمع مکسر
۱۵۴	بسته ۵: انواع اسم

### درس پنجم

۱۵۶	بسته ۱: معنی کلمات
۱۶۰	بسته ۲ و ۳: کلمات مترادف و متضاد
۱۶۲	بسته ۴: جمع مکسر
۱۶۴	بسته ۵: انواع اسم

## ترجمه فعل

بخش  
۲  
نمره

۶	قسمت ۱: کادرهای آموزشی
۲۳	قسمت ۲: تمرین کتاب درسی
۲۸	قسمت ۳: سوالات امتحانی ترکیبی

## ترجمه و درک مطلب

بخش  
۹/۵  
نمره

### درس اول

۳۴	بسته ۱: متن درس
۳۷	بسته ۲: إعلموا
۴۲	بسته ۳: تمرین

### درس دوم

۴۸	بسته ۱: متن درس
۵۶	بسته ۲: إعلموا
۵۹	بسته ۳: تمرین

### درس سوم

۶۵	بسته ۱: متن درس
۷۳	بسته ۲: إعلموا
۷۶	بسته ۳: تمرین

### درس چهارم

۸۰	بسته ۱: متن درس
۸۸	بسته ۲: إعلموا
۹۰	بسته ۳: تمرین

### درس پنجم

۹۸	بسته ۱: متن درس
۱۰۰	بسته ۲: إعلموا
۱۰۲	بسته ۳: تمرین

## تحلیل صرفی و اعراب

بخش ۵  
شماره ۲/۵

۲۰۲	قسمت ۱: تحلیل صرفی
۲۰۷	قسمت ۲: محل اعرابی
۲۱۲	قسمت ۳: سوالات درس به درس

## پاسخ نامه تشریحی

۲۲۸	بخش ۱: ترجمه فعل
۲۳۰	بخش ۲: ترجمه و درک مطلب
۲۴۵	بخش ۳: واژگان
۲۶۶	بخش ۴: قواعد
۲۷۵	بخش ۵: تحلیل صرفی و محل اعرابی

## امتحان نهایی

۲۸۴	آزمون ۱: خرداد ماه ۱۴۰۲
۲۸۶	آزمون ۲: شهریور ماه ۱۴۰۲
۲۸۸	آزمون ۳: دی ماه ۱۴۰۲
۲۹۰	آزمون ۴: خرداد ماه ۱۴۰۳
۲۹۳	آزمون ۵: مرداد ماه ۱۴۰۳
۲۹۵	پاسخ نامه تشریحی آزمون ۱ تا ۵

## قواعد

بخش ۱۴  
شماره ۱/۵

درس اول	
۱۶۸	بسته ۱: حروف مشبّهة بالفعل
۱۷۵	بسته ۲: (لا)ی نفی جنس
درس دوم	
۱۷۹	بسته ۱: حال (قید حالت)
۱۸۳	بسته ۲: نکات ترجمه
درس سوم	
۱۸۵	بسته ۱: ادات استثناء
۱۸۸	بسته ۲: نکات ترجمه
درس چهارم	
۱۹۱	بسته ۱: مفعول مطلق تأکیدی و نوعی
۱۹۴	بسته ۲: نکات ترجمه
درس پنجم	
۱۹۶	بسته ۱: منادا

## شب امتحان

نوبت دوم

نوبت اول

بخش ۵	بخش ۴	بخش ۳	بخش ۲	بخش ۱
نمره ۲/۵	نمره ۱/۵	نمره ۴/۵	نمره ۹/۵	نمره ۲

# ترجمه فعل



# قسمت

## کادرهای آموزشی

همان‌طور که می‌دانید در بخش بودجه‌بندی امتحانات نهایی عربی شما عزیزان، دو نمره به بخش ترجمهٔ انواع فعل اختصاص یافته است؛ بنابراین باید با انواع آن و ترجمه هریک آشنا شوید. در این قسمت همهٔ نکات مربوط به ترجمهٔ فعل را در ۱۵ کادر همراه با سؤالات امتحانی آورده‌ایم.

### ایستگاه سؤال

#### ترجم الأفعال التالية:

۱. نَصَرَ (یاری کرد) ← هُمْ نَصَرُوا أُمَّهَم فِي الْأُمُورِ. (دی داخل و خارج ۱۴۰۲)
۲. قَرَّرَ الْمَزَارِعُ التَّخْلُصَ مِنْهَا. (دی ۱۴۰۰)
۳. جَلَسَ (نشست) ← هِيَ جَلَسَتْ هُنَاكَ. (خرداد ۱۴۰۰)
۴. فَأَنْزَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ. (شهریور ۹۹ - دی ۹۹)
۵. سَاعَدَ (کمک کرد) ← أَنَا سَاعَدْتُ. (شهریور ۹۹)
۶. وَلَكِنَّ النَّبِيَّ ﷺ عَرَفَهَا. (خرداد ۹۹)
۷. «... مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ» (خرداد ۹۹)
۸. أَمَرَ أَنْوَشِرَوَانُ أَنْ يُعْطَى لِلْفَلَّاحِ أَلْفَ دِينَارٍ. (دی ۹۸)
۹. لَاحِظًا أَنَّ مَجْمُوعَةً مِنْ فِرَانَ الْحَقْلِ تَهْجُمُ عَلَى الْحَضْرَاوَاتِ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۰. فَأَخَذُوهَا عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ. (دی خارج ۹۹ - دی خارج ۱۴۰۰)
۱۱. اِغْتَدَّرَ (پوزش خواست) ← اِغْتَدَّرْنَا. (دی خارج ۹۹)
۱۲. كَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← كَاتَبُوا. (دی خارج ۹۹)
۱۳. قَطَعَ (برید) ← قَطَعَ يَدَهُ. (شهریور خارج ۹۸)

#### إنتخب الصحيح:

۱۴. عَلَى شِرَاءِ الدَّيْنَامِيْتِ رُؤَسَاءُ شَرَكَاتِ الْبِنَاءِ. (خرداد ۱۴۰۲)
- (۱) أَقْبَلْتُ ○ (۲) أَقْبَلُوا ○ (۳) أَقْبَلِ
۱۵. الْمُتَمَرِّجُونَ فَرِيْقُهُمُ الْفَائِزُ فَرِحِينَ. (شهریور ۱۴۰۲)
- (۱) شَجَّ ○ (۲) شَجَّعْتُ ○ (۳) شَجَّعُوا
۱۶. أَحَدَ الرَّجُلِ يَدَ بَنِيهِ وَ قَبْلَهَا وَ ..... هَا عِنْدَهُ. (اردیبهشت ۱۴۰۲)
- (۱) جَلَسَ ○ (۲) أَجْلَسَ
- (۳) أَجْلَسْتُ ○ (۴) جَالَسَ
۱۷. الرُّمْلَاءُ ..... فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ. (شهریور ۱۴۰۱)
- (۱) حَصَرَ ○ (۲) حَصَرَنَ ○ (۳) حَصَرُوا
۱۸. قَدْ ..... الْمُؤْمِنَاتُ رَبَّهُنَّ. (خرداد ۱۴۰۱)
- (۱) ذَكَرْتُ ○ (۲) ذَكَرَ ○ (۳) ذَكَرَنَ
۱۹. جَمِيعُ الطُّلَابِ فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانَاتِ إِلَّا جَوَادًا. (شهریور ۱۴۰۰)
- (۱) حَصَرَ ○ (۲) حَصَرْتُ ○ (۳) حَصَرُوا

### ماضی ساده



• فعلی است که بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان گذشته دلالت می‌کند.

◀ كَتَبَ (نوشت)، رَجَعُوا (بازگشتند) و ...

• برای تشخیص فعل ماضی و شناخت آسان آن بهتر است به شناسه‌هایی که در آخر فعل می‌آید توجه کنید تا با شناخت آن‌ها فعل را در صیغه مناسب خود، ترجمه کنید، بنابراین به جدول زیر خوب دقت کنید.

فعل ماضی	شناسه	ضمیر	ترجمه
جَلَسْتُ	تُ	أنا (من)	نشستم
جَلَسْتَ	تَ	أنتَ (تو)	نشستی
جَلَسْتِ	تِ	أنتِ (تو)	
جَلَسْنَا	نا	نَحْنُ (ما)	نشستیم
جَلَسْتُمَا	تُما	أنتُما (شما)	نشستید
جَلَسْتُمْ	تُم	أنتُم (شما)	
جَلَسْتُنَّ	تُنَّ	أنتُنَّ (شما)	
جَلَسَا	ا	هُمَا (آن‌ها)	نشستند
جَلَسْتَا	ا	هُمَا (آن‌ها)	
جَلَسُوا	و	هُم (آن‌ها)	
جَلَسْنَ	نَ	هُنَّ (آن‌ها)	

◀ برای ضمیر «هُوَ: او» فعل ماضی بدون شناسه (جَلَسَ: نشست) و برای ضمیر «هِيَ: او» حرف «ت» نشانهٔ مؤنث بودن فعل است. (جَلَسْتُ: نشست)

۱۸. گزینه «۱»: «ذَكَرْتُ» («المؤمنات») جمع مؤنث است و نیز فعل غایب در ابتدای جمله مفرد مؤنث می‌آید. ← ترجمه عبارت: مؤمنان پروردگارش را یاد کرده‌اند.

۱۹. گزینه «۱»: «حَضَرَ» (فعل غایب در ابتدای جمله مفرد می‌آید و «جَمِيع» مذکر است؛ بنابراین مذکر نیز می‌آید). ← ترجمه عبارت: همه دانش‌آموزان به جز جواد در سالن امتحانات حاضر شدند.

۲۰. گزینه «۱»: «رَجَعُوا» (با توجه به «اللاعبون») که جمع مذکر است، فعل نیز در همین صیغه می‌آید. ← ترجمه عبارت: بازیکنان ایرانی با لبخند از مسابقه بازگشتند.

۲۱. گزینه «۲»: «حَصَلُوا» («العلماء») جمع مکسر و مذکر است و فعل نیز در همین صیغه می‌آید. ← ترجمه عبارت: دانشمندان به جوایز نوبل در زمینه‌های شیمی دست یافتند.

۲۲. گزینه «۱»: «وَقَفُوا» («المهندسون») جمع مذکر است و فعل نیز در همین صیغه می‌آید. ← ترجمه عبارت: مهندسان در کارخانه با لبخند ایستادند.

۲۳. گزینه «۲»: «تَخَلَّصْتُ» («إني») بر متکلم وحده دلالت دارد؛ بنابراین فعل پس از آن در همین صیغه می‌آید. ← ترجمه عبارت: به درستی که من با کشتن بسیاری از آن جغدها رها شدم.

۲۴. گزینه «۳»: «نَجَحْتُ» (فعل غایب اول جمله مفرد می‌آید و «الطالبات») مؤنث است؛ بنابراین فعل مفرد مؤنث می‌آید. ← ترجمه عبارت: دانش‌آموزان در امتحان موفق شدند.

۲۵. گزینه «۲»: «نَحْنُ» با توجه به «نَزَّلْنَا» صحیح است. ← ترجمه عبارت: به درستی که ما قرآن را بر تو قطعاً نازل کردیم.

۲۰. اللّٰعِبُونَ الْإِيرَانِيِّونَ ..... مِنَ الْمُسَابِقَةِ مُبْتَسِمِينَ. (خرداد ۱۴۰۰)  
○ ۱ رَجَعُوا ○ ۲ رَجَعَ ○ ۳ رَجَعْتُمْ

۲۱. الْعُلَمَاءُ ..... عَلَى جَوَائِزِ نوبِلِ فِي مَجَالَاتِ الْكِيمِيَاءِ. (دی ۹۹)  
○ ۱ حَصَلْتُ ○ ۲ حَصَلُوا ○ ۳ حَصَلَا

۲۲. الْمُهَنْدِسُونَ ..... فِي الْمَصْنَعِ مُبْتَسِمِينَ. (شهریور ۹۸)  
○ ۱ وَقَفُوا ○ ۲ وَقَفْنَ ○ ۳ وَقَفْنَا

۲۳. إِنِّي ..... مِنَ الثُّبُوتِ بِقَتْلِ الْكَثِيرِ مِنْهَا. (دی ۹۷)  
○ ۱ تَخَلَّصْتُ ○ ۲ تَخَلَّصْتُ ○ ۳ تَخَلَّصْتِ

۲۴. الطَّالِبَاتُ فِي الْإِمْتِحَانِ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)  
○ ۱ نَجَحَ ○ ۲ نَجَحْنَ ○ ۳ نَجَحْتِ

۲۵. إِنَّا نَحْنُ ..... عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا. (دی خارج ۹۹)  
○ ۱ نَزَّلْتُ ○ ۲ نَزَّلْنَا ○ ۳ نَزَّلُوا

پاسخ سؤالات

- یاری کردند («نصروا») فعل ماضی صیغه جمع مذکر غایب است.
- تصمیم گرفت («قرَّرَ») فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
- نشست («جَلَسْتُ») فعل ماضی صیغه مفرد مؤنث غایب است.
- ناراحت شد («انزعج») فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
- من کمک کردم («ساعذت») فعل ماضی صیغه متکلم وحده است.
- شناخت («عرَفَ») فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
- آفرید («خَلَقَ») فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
- دستور داد («أمر») فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
- دید («لاحظَ») فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
- گرفتند («أخذوا») فعل ماضی صیغه جمع مذکر غایب است.
- پوزش خواستیم («اعذدنا») فعل ماضی صیغه متکلم مع الغیر است.
- نامه‌نگاری کردند («کاتبوا») فعل ماضی صیغه جمع مذکر غایب است.
- برید («قطعَ») فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.
- گزینه «۳»: (با توجه به فاعل «رؤساء») که جمع مکسر و مذکر است فعل به صورت مذکر می‌آید [رد گزینه (۱)] و چون فعل غایب در ابتدای جمله آمده به صورت مفرد می‌آید. [رد گزینه (۲)]
- گزینه «۱»: (با توجه به فاعل «المتفرون») که بر جمع مذکر دلالت دارد فعل نیز جمع مذکر می‌آید اما چون در ابتدای جمله آمده به صورت مفرد آورده می‌شود. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)]
- گزینه «۲»: «أجلست» (الرَّجُلُ) مفرد مذکر است و فعل نیز در همین صیغه، مناسب جای خالی است. ← ترجمه عبارت: مرد دست دخترش را گرفت و او را بوسید و او را نزد خود نشانید (نشانند). (دقت کنید دو فعل «جَلَسَ: نشست» و «جَلَسَ: هم‌نشینی کرد») از نظر معنایی مناسب نیستن).

۱۷. گزینه «۳»: «حَضَرُوا» («الزملاء») جمع مکسر و مذکر است و فعل در وسط عبارت مطابق با آن جمع مذکر می‌آید. ← ترجمه عبارت: هم‌کلاسی‌ها در سالن امتحان حاضر شدند.

● فعل ماضی با حرف «ما» منفی می‌شود.

◀ رَجَعَ (بازگشت) منفی ما رَجَعَ (بازنگشت)

ما + ماضی ← ماضی منفی

● فعل مضارع نیز با آمدن حرف «لَمْ» بر سر آن به صورت ماضی منفی ترجمه می‌شود.

◀ لَمْ + يَذْهَبُ ← لَمْ يَذْهَبْ (نزفت)

لَمْ + فعل مضارع ← ماضی منفی

◀ توجه داشته باشید که دو حرف «لَمْ» و «لَمْ» را با هم اشتباه نگیرید، «لَمْ» وقتی قبل از فعل مضارع بیاید معنای آن را به ماضی منفی تبدیل می‌کند، ولی «لَمْ» مخفف «لماذا» به معنای «چرا، برای چه» کلمه پرسشی است.

لَمْ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْمَلُونَ؟	چرا می‌گویند آن چه را که انجام نمی‌دهید؟
«أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرِي»	آیا ندانست که خدا می‌بیند؟ ماضی منفی
لَمْ مَا عَمِلْتُمْ يَوْجِبَاتِكُمْ؟	چرا به تکالیفتان عمل نکردید؟

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیه:

۱. ذَكَرَ (یاد کرد) ← ما ذَكَرْتُ الأُسْتَاذَ.



۲. تَظَاهَرَ (وانمود کرد) ← ما تَظَاهَرْتُ بِالضَّعْفِ عِنْدَ الْمَشَاكِلِ.

(خرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)

۳. تَكَلَّمْتُ (سخن گفت) ← ما تَكَلَّمْنَا بِالْعَرَبِيَّةِ فِي الصَّفِّ.

(دی داخل و خارج ۱۴۰۲)

۴. اسْتَرْجَعَ (پس گرفت) ← لَمْ يَسْتَرْجِعْ حَامِدٌ الْكُتُبَ.

(خرداد ۱۴۰۲)

۵. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَمْ يَمْتَنِعْ عَنِ الْخُرُوجِ.

(شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)

۶. هُوَ لَمْ يَرْجِعْ إِلَى مَصْنَعِهِ.

(اردیبهشت ۱۴۰۲)

۷. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← الْكِسْلَانُ لَمْ يَتَعَلَّمَ الدَّرْسَ.

(دی ۱۴۰۱)

۸. سَجَّعَ (تشویق کرد) ← الْوَالِدَانِ لَمْ يُسَجِّعَا الطِّفْلَ.

(خرداد ۱۴۰۱)

۹. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَمْ يُرْسِلُوا وَاجِبَاتِهِمْ.

(خرداد ۱۴۰۱)

۱۰. ذَكَرَ (یاد کرد) ← أَنْتُمْ مَا ذَكَرْتُمْ صَدِيقَكُمْ.

(شهریور ۱۴۰۰)

۱۱. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← مَا تَذَكَّرْتُمْ صَدِيقَكُمْ.

(دی ۱۴۰۰)

۱۲. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَمْ يَمْتَنِعُوا عَنِ الْأَكْلِ.

(شهریور ۱۴۰۰)

۱۳. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَمْ نُرْسِلْهُمْ إِلَّا مُبَشِّرِينَ.

(خرداد ۱۴۰۰)

۱۴. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لَمْ يَجْتَهِدْ فِي عَمَلِهِ.

(خرداد ۱۴۰۰)

۱۵. أَرْسَلَ (فرستاد) ← مَا أَرْسَلَ.

(دی ۹۹)

۱۶. اسْتَعْفَرَ (آمزش خواست) ← هِيَ مَا اسْتَعْفَرَتْ.

(شهریور ۹۹)

۱۷. الْوَالِدُ لَمْ يُقْبَلْ بِنْتَهُ.

(شهریور ۹۹ - دی ۹۹ - دی خارج ۹۷)

۱۸. شَاهَدَ (دید) ← لَمْ يُشَاهِدْ شَيْئاً.

(خرداد ۹۹)

۱۹. لَمْ يَصَدِّقُوا قَوْلَ الشُّبُهَاءِ.

(خرداد ۹۹)

۲۰. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هِيَ مَا اجْتَهَدَتْ.

(خرداد ۹۹)

۲۱. هَذِهِ الْحَادِثَةُ لَمْ تُضْعِفْ عَزْمَهُ.

(دی ۹۸ - دی ۹۷)

۲۲. اجْلَسَ (نشاند) ← هُمْ لَمْ يُجْلِسُوا التَّلَامِيذَ.

(دی ۹۸)

۲۳. مَا شَاهَدْتُ فِي الْمَكْتَبَةِ إِلَّا فَاطِمَةَ.

(دی ۹۷)

○ (۱) مشاهده می‌کردم

○ (۲) مشاهده نکردم

○ (۳) مشاهده نمی‌کنم

۲۴. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← مَا تَذَكَّرْتُ صَدِيقَكَ.

(خرداد خارج ۱۴۰۱)

۲۵. عَلَّمَ (یاد داد) ← مَا عَلَّمْتَنِي.

(دی خارج ۱۴۰۰)

۲۶. تَكَلَّمْتُ (سخن گفت) ← لَمْ يَتَكَلَّمَا.

(دی خارج ۱۴۰۰)

۲۷. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ لَمْ يُسَاعِدُوا.

(دی خارج ۱۴۰۰)

۲۸. سَجَّعَ (تشویق کرد) ← لَمْ يُسَجِّعْنِي.

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

۲۹. جَالَسَ (همنشینی کرد) ← لَمْ يُجَالِسِ الْإِنْسَانَ الشَّيْءَ.

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

۳۰. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لَمْ يَتَذَكَّرْ إِسْمَهُ.

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

۳۱. لَمْ يُصَدِّقِ الْمُسْلِمُونَ قَوْلَ الشُّبُهَاءِ.

(دی خارج ۹۹ - دی خارج ۱۴۰۰)

۳۲. اسْتَعْفَرَ (آمزش خواست) ← لَمْ يَسْتَعْفِرْ.

(دی خارج ۹۹)

۳۳. إِنَّهَا لَمْ ..... شَيْئاً.

○ (۱) تَصْنَعُ ○ (۲) تَصْنَعُ ○ (۳) يَصْنَعُ

۱. یاد نکردی (ما + ذَكَرْتُ ← ما ذَكَرْتِ (ماضی منفی))

۲. وانمود نکردم (ما + تَظَاهَرْتُ ← ما تَظَاهَرْتُ (ماضی منفی))

۳. سخن نگفت (ما + تَكَلَّمْتُ ← ما تَكَلَّمْتُ (ماضی منفی))

۴. پس نگرفت (لَمْ + يَسْتَرْجِعْ ← لَمْ يَسْتَرْجِعْ (ماضی منفی))

۵. خودداری نکرد (لَمْ + يَمْتَنِعْ ← لَمْ يَمْتَنِعْ (ماضی منفی))

۶. برنگشت (لَمْ + يَرْجِعْ ← لَمْ يَرْجِعْ (ماضی منفی))

۷. فرا نگرفت (لَمْ + يَتَعَلَّمْ ← لَمْ يَتَعَلَّمْ (ماضی منفی))

۸. تشویق نکردند (لَمْ + يُسَجِّعَانِ ← لَمْ يُسَجِّعَا (ماضی منفی))

۹. نفرستادند (لَمْ + يُرْسِلُونَ ← لَمْ يُرْسِلُوا (ماضی منفی))

۱۰. یاد نکردید (ما + ذَكَرْتُمْ ← ما ذَكَرْتُمْ (ماضی منفی))

۱۱. به یاد نیاوردید (ما + تَذَكَّرْتُمْ ← ما تَذَكَّرْتُمْ (ماضی منفی))

۱۲. خودداری نکردند (لَمْ + يَمْتَنِعُونَ ← لَمْ يَمْتَنِعُوا (ماضی منفی))

۱۳. نفرستادیم (لَمْ + نُرْسِلُ ← لَمْ نُرْسِلْ (ماضی منفی))

۱۴. تلاش نکرد (لَمْ + يَجْتَهِدُ ← لَمْ يَجْتَهِدْ (ماضی منفی))

۱۵. نفرستاد (ما + أَرْسَلَ ← ما أَرْسَلَ (ماضی منفی))

۱۶. آمزش خواست (ما + اسْتَعْفَرْتُ ← ما اسْتَعْفَرْتُ (ماضی منفی))

۱۷. نبوسید (لَمْ + يُقَبِّلُ ← لَمْ يُقَبِّلْ (ماضی منفی))

۱۸. ندید، مشاهده نکرد (لَمْ + يُشَاهِدُ ← لَمْ يُشَاهِدْ (ماضی منفی))

۱۹. باور نکردند (لَمْ + يُصَدِّقُونَ ← لَمْ يُصَدِّقُوا (ماضی منفی))

۲۰. تلاش نکرد (ما + اجْتَهَدْتُ ← ما اجْتَهَدْتُ (ماضی منفی))

۲۱. ضعیف نکرد (لَمْ + تُضْعِفُ ← لَمْ تُضْعِفْ (ماضی منفی))

۲۲. نشانندند (لَمْ + يُجْلِسُونَ ← لَمْ يُجْلِسُوا (ماضی منفی))

۲۳. گزینۀ «۲»: مشاهده نکردم (ما + شَاهَدْتُ ← ما شَاهَدْتُ (ماضی منفی))

۲۴. به یاد نیاوردم (ما + تَذَكَّرْتُ ← ما تَذَكَّرْتُ (ماضی منفی))

۲۵. یاد ندادید (ما + عَلَّمْتَنِي ← ما عَلَّمْتَنِي (ماضی منفی))

۲۶. سخن نگفتند (لَمْ + يَتَكَلَّمَانِ ← لَمْ يَتَكَلَّمَا (ماضی منفی))

۲۷. کمک نکردند (لَمْ + يُسَاعِدُونَ ← لَمْ يُسَاعِدُوا (ماضی منفی))

۲۸. تشویق نکردند (لَمْ + يُسَجِّعْنَ ← لَمْ يُسَجِّعْنَ (ماضی منفی))

۲۹. همنشینی نکرد (لَمْ + يُجَالِسُ ← لَمْ يُجَالِسْ (ماضی منفی))

۳۰. به یاد نیاورد (لَمْ + يَتَذَكَّرُ ← لَمْ يَتَذَكَّرْ (ماضی منفی))

۳۱. باور نکردند (با توجه به «المُسْلِمُونَ» جمع ترجمه می‌کنیم.)

(لَمْ + يُصَدِّقُ ← لَمْ يُصَدِّقُوا (ماضی منفی))

۳۲. آمزش خواست (لَمْ + يَسْتَعْفِرُ ← لَمْ يَسْتَعْفِرْ (ماضی منفی))

۳۳. گزینۀ «۲» (ضمیر متصل «ها» در کلمۀ «إِنَّهَا» بر مفرد مؤنث

غایب دلالت دارد بنابراین فعل در همین صیغه می‌آید. [رد گزینۀ (۳)] در ضمن «لَمْ» حرکت حرف آخر فعل مضارع را از ضمه ُ به ساکن ْ تبدیل می‌کند. [رد گزینۀ (۱)]



۸. فرستاده است (قَدْ + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)
۹. خودداری کرده است (قَدْ + اِمْتَنَعْتُ ← ماضی نقلی)
۱۰. عمل کرده‌ام (قَدْ + عَمِلْتُ ← ماضی نقلی)
۱۱. فرستاده است (قَدْ + أَرْسَلَ ← ماضی نقلی)



- به فعلی گفته می‌شود که در زمان گذشته آغاز شده و اثر آن تا زمان حال باقی مانده است.
- برای ساخت فعل ماضی نقلی از فرمولی استفاده می‌کنیم که در آن کلمه «قَدْ» به ابتدای فعل ماضی اضافه می‌شود.

قَدْ + ذَهَبَ ماضی نقلی ← قَدْ ذَهَبَ

### قَدْ + ماضی ← ماضی نقلی

- فعل ماضی نقلی با فرمول «ماضی ساده + ه + شناسه (آم، ای، است، ایم، اید، اند) ترجمه می‌شود.

قَدْ عَلِمَ ← دانسته است / قَدْ عَلِمْتُ ← دانسته‌ام

- فعل ماضی نقلی منفی با آمدن حرف «لَمْ» بر سر فعل مضارع ساخته می‌شود.

لَمْ يَدْرُسُوا ← «لَمْ» + فعل مضارع «مضارع» می‌تونه هم ماضی منفی ترجمه بشه و هم ماضی نقلی منفی

لَمْ يَعْلَمُوا ترجمه ۱) ندانستند (ماضی منفی)  
ترجمه ۲) ندانسته‌اند (ماضی نقلی منفی)



- به فعلی گفته می‌شود که در گذشته چند بار تکرار شده است.

- می‌نوشتیم، می‌آمدند، می‌خوردید و ...
- فعل ماضی استمراری با اضافه کردن صیغه‌های ماضی فعل «كَانَ» به قبل از صیغه‌های فعل مضارع ساخته می‌شود.

كَانَ + يَجْلِسُ ← كَانَ يَجْلِسُ

### كَانَ + فعل مضارع ← ماضی استمراری

- فعل ماضی استمراری با فرمول «می + ماضی ساده» ترجمه می‌شود.

كَانَ يَعْلَمُ ترجمه ← می‌دانست

- به شکل‌های مختلف فعل «كَانَ» به همراه فعل مضارع و ترجمه آن‌ها در جدول بعد دقت کنید.

ترجمه	فعل مضارع	شکل‌های «كَانَ»
می‌رفت	يَذْهَبُ	۱. كَانَ +
	تَذْهَبُ	۲. كَانَتْ +
می‌رفتند	يَذْهَبَانِ	۳. كَانَا +
	تَذْهَبَانِ	۴. كَانْتَا +
می‌رفتند	يَذْهَبُونَ	۵. كَانُوا +
	يَذْهَبْنَ	۶. كُنَّ +
می‌رفتند	تَذْهَبُ	۷. كُنْتُ +
	تَذْهَبِينَ	۸. كُنْتِ +
می‌رفتند	تَذْهَبَانِ	۹. كُنْتُمَا +
	تَذْهَبُونَ	۱۰. كُنْتُمْ +
می‌رفتند	تَذْهَبْنَ	۱۱. كُنْتُنَّ +
	أَذْهَبُ	۱۲. كُنْتُ +
می‌رفتند	نَذْهَبُ	۱۳. كُنَّا +

- فعل ماضی در ساختار «لَيْتَ + فعل ماضی» نیز، ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

لَيْتَ مُحَمَّدًا نَصَرَ صَدِيقَهُ. ← کاش محمد دوستش را یاری می‌کرد.

- البته در ساختار «لَيْتَ + فعل ماضی» فعل ماضی، ماضی بعید هم ترجمه می‌شه تو کادر بعدی براتون توضیح دادم پس هر دوتاش درسته.

فعل مضارع در ساختار «فعل ماضی + اسم نکره + فعل مضارع»

- نیز به صورت ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

شَاهَدْتُ طِفْلاً يَلْعَبُ. ← کودکی را دیدم که بازی می‌کرد.

ماضی + نکره + مضارع

شَاهَدْتُ الطِّفْلَ يَلْعَبُ. ← کودک را دیدم درحالی‌که بازی می‌کرد.

ماضی + معرفه + مضارع

### ایستگاه سؤال

#### تَرْجِمِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ:

۱. عَفَرَ (آمرزید) ← قَدْ عَفَرَ اللَّهُ عِبْدَهُ. (آذراه ۱۴ - دی ۱۴۰۰)
۲. فَقَدَ بَنِي مُؤَسَّسَةً. (دی ۹۹)
۳. اسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست) ← أَنْتُمْ قَدْ اسْتَعْفَرْتُمْ. (شهریور ۹۹)
۴. عَلَّمَ (یاد داد) ← قَدْ عَلَّمْتُ. (دی خارج ۹۹)
۵. عَامَلَ (رفتار کرد) ← قَدْ عَامَلْتُ جَيِّدًا. (دی ۹۸)
۶. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← إِنَّا قَدْ تَكَلَّمْنَا مَعَ الطَّبِيبِ عَنِ مَرِيضِهِ. (خرداد ۹۸)
۷. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← قَدْ تَذَكَّرْتُ. (خرداد خارج ۹۸)
۸. أَرْسَلَ (فرستاد) ← قَدْ أَرْسَلْنَا. (خرداد خارج ۹۹)
۹. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← قَدْ اِمْتَنَعْتُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۰. عَمِلَ (عمل کرد) ← قَدْ عَمِلْتُ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۱. أَرْسَلَ (فرستاد) ← هُوَ قَدْ أَرْسَلَ الْخَبَرَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)

### پاسخ سؤالات

۱. آمرزیده است (قَدْ + عَفَرَ ← ماضی نقلی)
۲. ساخته است (قَدْ + بَنَى (فعل ماضی) ← ماضی نقلی)
۳. آمرزش خواسته‌اید (قَدْ + اسْتَعْفَرْتُمْ ← ماضی نقلی)
۴. یاد داده‌ای (قَدْ + عَلَّمْتُ ← ماضی نقلی)
۵. رفتار کرده‌ای (قَدْ + عَامَلْتُ ← ماضی نقلی)
۶. سخن گفته‌ایم (قَدْ + تَكَلَّمْنَا ← ماضی نقلی)
۷. به یاد آورده‌ای (قَدْ + تَذَكَّرْتُ ← ماضی نقلی)

پاسخ سؤالات

۱. نیکی می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع «يُحْسِنُ» ← ماضی استمراری)
۲. درس می‌دادند (كانوا + فعل مضارع «يُدْرَسُونَ» ← ماضی استمراری)
۳. کار می‌کردند (كانا + فعل مضارع «يَسْتَعْلَانِ» ← ماضی استمراری)
۴. به یاد نمی‌آورد (كَانَتْ + لا + فعل مضارع «تَتَذَكَّرُ» ← ماضی استمراری منفی)
۵. خودداری می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع «يَمْتَنِعُ» ← ماضی استمراری)
۶. می‌بریدند (كانا + فعل مضارع «يَقْطَعَانِ» ← ماضی استمراری)
۷. می‌نشست (كَانَ + فعل مضارع «يَجْلِسُ» ← ماضی استمراری)
۸. پرورش می‌داد (كَانَ + فعل مضارع «يُرَبِّي» ← ماضی استمراری)
۹. رفتار می‌کردند (كانوا + فعل مضارع «يُعَامِلُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۰. هجوم می‌آوردند (كَانَتْ + فعل مضارع «تَهْجُمُ» ← ماضی استمراری / می‌خوردند [كَانَتْ] + فعل مضارع «تَأْكُلُ» ← ماضی استمراری)
۱۱. ادامه می‌داد (كَانَ + فعل مضارع «يُواصلُ» ← ماضی استمراری)
۱۲. احساس می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع «يَشْعُرُ» ← ماضی استمراری)
۱۳. سخن می‌گفتند (كانوا + فعل مضارع «يَتَكَلَّمُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۴. عمل می‌کردی (كُنْتَ + فعل مضارع «تَعْمَلُ» ← ماضی استمراری)
۱۵. می‌دانستید (كُنْتُمْ + فعل مضارع «تَعْلَمُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۶. یاد می‌دادند (كانوا + فعل مضارع «يُعَلِّمُونَ» ← ماضی استمراری)
۱۷. به یاد می‌آورد (كَانَ + فعل مضارع «يَتَذَكَّرُ» ← ماضی استمراری)
۱۸. با یکدیگر نامه‌نگاری می‌کردند (كانا + فعل مضارع «يُكَاتِبَانِ» ← ماضی استمراری)
۱۹. تلاش می‌کردند (كانوا + فعل مضارع «يَجْتَهِدُونَ» ← ماضی استمراری)
۲۰. می‌بریدند (كانوا + فعل مضارع «يَقْطَعُونَ» ← ماضی استمراری)
۲۱. گزینه «۲»: «يُحْسِنُ» (با توجه به فعل کمکی «كَانَ» فعل نیز مطابق با آن مفرد مذکر غایب می‌آید. [رد گزینه ۱] در ضمن با توجه به ترجمه عبارت فعل معلوم می‌آید نه مجهول. [رد گزینه ۳])
۲۲. گزینه «۲»: «لا تَعْلَمُونَ» (با توجه به فعل کمکی «كُنْتُمْ» فعل نیز در صیغه جمع مذکر مخاطب می‌آید.) ← ترجمه آیه شریفه: پس این روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید.
۲۳. گزینه «۳»: «يَسْتَمِعُونَ» («الطُّلابُ» جمع مکسر و مذکر است و فعل نیز مطابق با آن جمع مذکر می‌آید.) ← ترجمه عبارت: دانش‌آموزان به سخن استاد خود گوش فرا می‌دادند.
۲۴. گزینه «۱»: «تَهْجُمُ» («كَانَتْ» فعل کمکی مفرد مؤنث غایب است و فعل پس از آن مفرد مؤنث می‌آید.) ← ترجمه عبارت: گروه بزرگی از موش‌ها بر سبزیجات هجوم می‌بردند.
۲۵. گزینه «۲»: «دوری می‌کرد (لَبِيتَ + فعل ماضی «ابْتَعَدَ» ← ماضی استمراری)

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. أَحْسَنَ (نیکی کرد) ← المُعَلِّمُ كَانَ يُحْسِنُ إِلَى التَّلَامِيذِ.  
(مرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)
  ۲. دَرَسَ (درس داد) ← المُعَلِّمُونَ كَانُوا يُدْرَسُونَ فِي مَدِينَتِنَا بِجِدِّ.  
(خرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)
  ۳. اسْتَعْلَى (کار کرد) ← الطُّالِبَانِ كَانَا يَسْتَعْلَانِ فِي المَكْتَبَةِ.  
(شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
  ۴. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← الجَدَّةُ كَانَتْ لَا تَتَذَكَّرُ وَكِدَهَا.  
(شهریور ۱۴۰۰)
  ۵. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← الطَّالِبُ كَانَ يَمْتَنِعُ عَنِ النَّوْمِ.  
(خرداد ۱۴۰۱)
  ۶. قَطَعَ (برید) ← كَانَا يَقْطَعَانِ الأشْجَارَ.  
(شهریور ۱۴۰۰ - دی خارج ۱۴۰۰)
  ۷. جَلَسَ (نشست) ← كَانَ يَجْلِسُ عَلَى الأَرْضِ.  
(خرداد ۱۴۰۰)
  ۸. كَانَ يُرَبِّي أنواع الطِّيورِ.
  ۹. عَامَلَ (رفتار کرد) ← كَانُوا يُعَامِلُونَ جَدِّدًا.  
(شهریور ۱۴۰۰)
  ۱۰. البُومَاتُ كَانَتْ تَهْجُمُ عَلَى الأَفْرَاحِ وَ تَأْكُلُهَا.
  ۱۱. وَ هُوَ كَانَ يُواصلُ عَمَلَهُ دَوْبًا.
  ۱۲. أَلْفَرِدُ نوبِلُ كَانَ يَشْعُرُ بِخَبِيئَةِ الأَمَلِ.
  ۱۳. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← كَانُوا يَتَكَلَّمُونَ بِسُرْعَةٍ.  
(دی ۱۴۰۰)
  ۱۴. عَمِلَ (عمل کرد) ← كُنْتُ تَعْمَلُ.  
(دی خارج ۱۴۰۰)
  ۱۵. عَلِمَ (دانست) ← كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.  
(خرداد خارج ۱۴۰۰)
  ۱۶. عَلَّمَ (یاد داد) ← كَانُوا يُعَلِّمُونَ العِلْمَ.  
(خرداد خارج ۱۴۰۰)
  ۱۷. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← هُوَ كَانَ يَتَذَكَّرُ.  
(خرداد خارج ۱۴۰۰)
  ۱۸. كَاتَبَ (نامه‌نگاری کرد) ← كَانَا يُكَاتِبَانِ.  
(دی خارج ۱۴۰۰)
  ۱۹. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← كَانُوا يَجْتَهِدُونَ.  
(خرداد خارج ۱۴۰۰)
  ۲۰. قَطَعَ (برید) ← كَانُوا يَقْطَعُونَ.  
(خرداد ۱۴۰۲)
- إِنتَخِبِ الصَّحِيحَ:**
۲۱. وَ قَدَرُ كُلِّ امْرِئٍ مَا كَانَ ..... ه.
  - ۱) تُحْسِنُ ○ ۲) يُحْسِنُ ○ ۳) يُحْسِنُ
  ۲۲. «فَهَذَا يَوْمَ البَحْثِ وَلَكِنِّكُمْ كُنْتُمْ .....»  
(خرداد ۱۴۰۱ - دی خارج ۱۴۰۰)
  - ۱) لَا يَعْلَمُونَ ○ ۲) لَا تَعْلَمُونَ ○ ۳) لَا تَعْلَمَنَّ
  ۲۳. كَانَ الطُّالِبُ ..... إِلَى كَلَامِ أستاذِهِمْ.  
(دی ۱۴۰۰)
  - ۱) تَسْتَمِعُ ○ ۲) يَسْتَمِعُ ○ ۳) يَسْتَمِعُونَ
  ۲۴. كَانَتْ مَجْموعَةٌ كَبِيرَةٌ مِنَ الفِرَّانِ ..... عَلَى الخَصْرَاوَاتِ.  
(خرداد ۱۴۰۱)
  - ۱) تَهْجُمُ ○ ۲) يَهْجُمُ ○ ۳) يَهْجُمُ
  ۲۵. لَبِيتَ ناصراً ابْتَعَدَ عَنِ الكَسَلِ.  
(خرداد خارج ۱۴۰۰)
  - ۱) دوری کرده است
  - ۲) دوری می‌کرد
  - ۳) دوری خواهد کرد

ایستگاه سؤال



ترجم الأفعال التالية:

۱. كَانَ الْحَارِسَانِ قَدْ اِمْتَنَعَا عَنِ النَّوْمِ. (اردیبهشت ۱۴۰۲)
  ۲. كَتَبَ (نوشت) ← التَّلْمِيذَاتُ كُنَّ قَدْ كَتَبْنَ دُرُوسَهُنَّ. (دی ۱۴۰۱)
  ۳. لَجِبَ (بازی کرد) ← كَانُوا قَدْ لَجِبُوا فِي الْحَدِيقَةِ. (دی ۱۴۰۱)
  ۴. كَتَمَ (پنهان کرد) ← إِنَّهُ مَا كَانَ قَدْ كَتَمَ مَا يَعْلَمُ. (شهریور ۱۴۰۱)
  ۵. شَجَّحَ (تشویق کرد) ← كَانُوا قَدْ شَجَّعُوا اللَّاعِبِينَ. (خرداد ۱۴۰۱)
  ۶. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← إِنَّ الْحَارِسَ كَانَ قَدْ اِمْتَنَعَ. (شهریور ۱۴۰۰ - خرداد ۹۹)
  ۷. أَرْسَلَ (فرستاد) ← كَانَ قَدْ أَرْسَلَ الطَّعَامَ إِلَى. (خرداد ۱۴۰۰)
  ۸. أَلْفَرِدَ نُوْبِلَ كَانَ قَدْ شَعَرَ بِخَيِّبَةِ الْأَمَلِ. (دی ۹۹)
  ۹. أَلْفَرِدَ نُوْبِلَ كَانَ قَدْ بَنَى مُحْتَبَرًا صَغِيرًا. (شهریور ۹۹)
  ۱۰. إِنَّهُ كَانَ قَدْ عَلَّمَ تَلَامِيذَهُ. (شهریور ۹۸)
  ۱۱. إِنَّ أَنْوَشِرَوَانَ كَانَ قَدْ شَاهَدَ شَجْرَةً. (خرداد ۹۸)
  ۱۲. رَحَّصَ (ارزان شد) ← أَسْعَازُ الْبَضَائِحِ كَانَتْ قَدْ رَحَّصَتْ بَعْدَ التَّخْفِيفِ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
  ۱۳. إِنَّ أَلْفَرِدَ كَانَ قَدْ اِهْتَمَّ بِمَادَّةِ الدَّيْنَامِيْتِ وَ كَانَ يَعْمَلُ عَلَى تَطْوِيرِهَا. (دی خارج ۱۴۰۰)
  ۱۴. جَعَلَ (قرار داد) ← كُنَّ قَدْ جَعَلْنَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
  ۱۵. صَنَعَ (ساخت) ← كَانَ قَدْ صَنَعَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
  ۱۶. يُحْكِي أَنَّ مَزَارِعًا كَانَتْ لَهُ مَرْعَةٌ كَبِيرَةٌ. (دی خارج ۹۹)
  ۱۷. ذَكَرَ (یاد کرد) ← كَانَتْ قَدْ ذَكَرَتْ. (دی خارج ۹۹)
  ۱۸. تَكَاتَبَ (نامه نگاری کرد) ← لَيْتَهُمْ تَكَاتَبُوا. (شهریور خارج ۹۸)
- اِنْتِخِبِ الصَّحِيحَ:**
۱۹. كَانَ الْحَارِسُ قَدْ ..... عَنِ النَّوْمِ. (دی خارج ۹۹)

پاسخ سؤالات



۱. خودداری کرده بودند (كَانَ ... + قَدْ + فعل ماضی (اِمْتَنَعَا) ← ماضی بعید)
۲. نوشته بودند (كُنَّ + قَدْ + فعل ماضی (كَتَبْنَ) ← ماضی بعید)
۳. بازی کرده بودند (كانوا + قَدْ + فعل ماضی (لَجِبُوا) ← ماضی بعید)
۴. پنهان نکرده بود (ما كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (كَتَمَ) ← ماضی بعید منفی)
۵. تشویق کرده بودند (كانوا + قَدْ + فعل ماضی (شَجَّعُوا) ← ماضی بعید)
۶. خودداری کرده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (اِمْتَنَعَ) ← ماضی بعید)
۷. فرستاده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (أَرْسَلَ) ← ماضی بعید)
۸. احساس کرده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (شَعَرَ) ← ماضی بعید)
۹. ساخته بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (بَنَى) ← ماضی بعید)
۱۰. یاد داده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (عَلَّمَ) ← ماضی بعید)
۱۱. مشاهده کرده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (شَاهَدَ) ← ماضی بعید)
۱۲. ارزان شده بود (كَانَتْ + قَدْ + فعل ماضی (رَحَّصَتْ) ← ماضی بعید)

ماضی بعید



۱۹

تکرار

- به فعلی گفته می شود که در گذشته دور انجام شده است.
- نوشته بودم، خوانده بودید، کمک کرده بودند و ...
- فعل ماضی بعید با آمدن صیغه های ماضی «كَانَ» + «قَدْ» قبل از صیغه های فعل ماضی ساخته می شود.
- **كَانَ + قَدْ + جَلَسَ ← كَانَ قَدْ جَلَسَ**
- آوردن «قَدْ» اختیاری است؛ بنابراین گاهی این فعل بدون «قَدْ» نیز می آید.

**كَانَ + [قَدْ] + فعل ماضی ← ماضی بعید**

- فعل ماضی بعید با فرمول «ماضی ساده + ه + بود + شناسه» ترجمه می شود.
- **كَانَ قَدْ كَتَبَ ترجمه** نوشته بود.
- **كُنَّا قَدْ كَتَبْنَا ترجمه** نوشته بودیم.
- به شکل های مختلف فعل ماضی بعید و ترجمه هر یک در جدول زیر دقت کنید.

ترجمه	ماضی بعید
رفته بود	۱. كَانَ (قَدْ) ذَهَبَ
	۲. كَانَتْ (قَدْ) ذَهَبَتْ
	۳. كَانَا (قَدْ) ذَهَبَا
رفته بودند	۴. كَانُوا (قَدْ) ذَهَبُوا
	۵. كَانُوا (قَدْ) ذَهَبُوا
	۶. كُنَّ (قَدْ) ذَهَبْنَ
رفته بودی	۷. كُنْتَ (قَدْ) ذَهَبْتَ
	۸. كُنْتِ (قَدْ) ذَهَبْتِ
رفته بودید	۹. كُنْتُمَا (قَدْ) ذَهَبْتُمَا
	۱۰. كُنْتُمْ (قَدْ) ذَهَبْتُمْ
	۱۱. كُنْتُنَّ (قَدْ) ذَهَبْتُنَّ
رفته بودم	۱۲. كُنْتُ (قَدْ) ذَهَبْتُ
رفته بودیم	۱۳. كُنَّا (قَدْ) ذَهَبْنَا

- فعل ماضی در ساختار «لَيْتَ + فعل ماضی» را نیز می توان به صورت ماضی بعید ترجمه کرد. (تو کادر ۴ گفتیم هم ماضی استمراری و هم ماضی بعید، هر دو تاش درسته.)
- **لَيْتَ التَّلْمِيذُ اِبْتَعَدَ عَنِ الْكَسَلِ.** ← کاش دانش آموز از تنبلی دوری کرده بود. (دوری می کرد.)

**لَيْتَ + ماضی ← ماضی بعید**  
**ماضی استمراری**

- فعل ماضی در ساختار «فعل ماضی + فعل ماضی» نیز به صورت ماضی بعید (یا ماضی ساده) ترجمه می شود.
- **شَاهَدْتُ صَدِيقًا سَاعَدَنِي فِي الدُّرُوسِ.** ← دوستی را دیدم که به من **ماضی ماضی** **ماضی بعید** در درس ها کمک کرده بود. (کمک کرد)

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. دَرَسَ (درس داد) ← أستاذنا يُدرِّسُ في العاصمة. (خرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)
۲. تَدَكَّرَ (به یاد آورد) ← الأصدقاء يتذكرون المعلم. (شهریور ۱۴۰۱)
۳. أَسْتَعْفِزُ الله. (دی ۱۴۰۰)
۴. أَرْسَلَ (فرستاد) ← هُم يُرسلونَ الخبر. (شهریور ۱۴۰۰)
۵. خَلَقَ (آفرید) ← يَخْلُقونَ. (دی ۹۹)
۶. «... إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (دی ۹۸ - دی ۹۷)
۷. شَاهَدَ (مشاهده کرد) ← أَشَاهِدُ. (شهریور ۹۸)
۸. «... الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الكُفْرِ» (دی خارج ۹۹)

انتخب الفعل المناسب للفراغ:

۹. السَّيَّاحُ فِي قَاعَةِ المَطَارِ. (دی ۱۴۰۱)
۱۰. كُلُّ شَيْءٍ ..... إِذَا كَثُرَ إِلَّا الأَدَبُ. (دی ۱۴۰۰)
۱۱. المُنْتَفِرُونَ ..... فَرِيقَهُمُ الفَائِزُ فَرِحِينَ. (دی ۱۴۰۰)
۱۲. الطَّالِبَاتُ ..... فِي أداءِ واجِبَاتِهِنَّ. (شهریور ۹۹)
۱۳. «إِنَّ اللهَ يُحِبُّ الَّذِينَ ..... فِي سَبِيلِهِ صَفًا» (خرداد ۹۹)
۱۴. ..... المُنْتَفِرُونَ فَرِيقَهُمْ. (دی ۹۸)
۱۵. إِنَّ المُوْمِنَاتِ ..... اللهُ كَثِيرًا. (خرداد ۹۸)
۱۶. الطَّالِبَاتُ ..... فِي الإِمْتِحَانِ. (دی ۹۷)
۱۷. الفَلَّاحُونَ ..... المَحَاصِلِ فِي المَزَارِعِ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۸. الصَّيَّادُونَ الإِفْرِيقِيُّونَ ..... إِلَى مَكَانِ اخْتِفَاءِ السَّمَكِ المَدْفُونِ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۹. العَمَالُ ..... فِي المَنَاجِمِ. (دی خارج ۹۷)

پاسخ سؤالات

۱. درس می دهد («يُدْرِسُ» فعل مضارع و از باب «تفعیل» است.) ← مضارع اخباری
۲. به یاد می آورد («يَتَذَكَّرُونَ» فعل مضارع و از باب «تفعل» است.) ← مضارع اخباری

۱۳. اهمیت داده بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (اهْتَمَّ) ← ماضی بعید)
۱۴. قرار داده بودند (كُنَّ + قَدْ + فعل ماضی (جَعَلْنَ) ← ماضی بعید)
۱۵. ساخته بود (كَانَ + قَدْ + فعل ماضی (صَنَعَ) ← ماضی بعید)
۱۶. داشت (كَانَتْ + لَ ← داشت) (یادتان باشد «كَانَ» در شکل های مختلف به همراه «لِ» معنای «داشتن» می دهد.)
۱۷. یاد کرده بود (كَانَتْ + قَدْ + فعل ماضی (ذَكَرَتْ) ← ماضی بعید)
۱۸. نامه نگاری کرده بودند، نامه نگاری می کردند (لِیت + فعل ماضی)
- (تَكَاتَبُوا) ← ماضی بعید / ماضی استمراری
۱۹. گزینۀ «۱»: «إِمْتَنَعَ» (با توجه به فعل كمکی «كَانَ» که مفرد مذکر است فعل پس از آن نیز مفرد مذکر می آید.) ← ترجمۀ عبارت: نگیهان از خواب خودداری کرده بود.



• فعلی است که بر انجام دادن کاری یا روی دادن حالتی در زمان حال یا آینده دلالت می کند.

▶ يَنْصُرُ (یاری می کند)، تَرْجِعَانِ (باز می گردند، باز می گردید.)، يُدَافِعُونَ (دفاع می کنند) و ...

• در جدول زیر به شناسه های فعل مضارع و ضمائر هر یک به همراه ترجمه فعل دقت کنید.

فعل مضارع	شناسه	ضمیر	ترجمه
أَجْلِسُ	ندارد	أنا (من)	می نشینم
تَجْلِسُ		أنت (تو)	می نشینی
تَجْلِسِينَ	بَيْنَ	أنتِ (تو)	
يَجْلِسُ	ندارد	هُوَ (او)	می نشیند
تَجْلِسُ		هِيَ (او)	
نَجْلِسُ	ندارد	نَحْنُ (ما)	می نشینیم
تَجْلِسَانِ	إِنِ	أنتُما (شما)	می نشینید
تَجْلِسُونَ	وَنَ	أنتُم (شما)	
تَجْلِسْنَ	نَ	أنتُنَّ (شما)	
يَجْلِسَانِ	إِنِ	هُمَا (آن دو)	می نشینند
تَجْلِسَانِ			
يَجْلِسُونَ	وَنَ	هُم (ایشان)	
يَجْلِسْنَ	نَ	هُنَّ (ایشان)	

• همان طور که در جدول ملاحظه کردید فعل مضارع ساده به صورت مضارع اخباری ترجمه می شود؛ «می + بن فعل + شناسه ← مضارع اخباری»

▶ أَعْمَلُونَ فِي المَصْنَعِ؟ آیا در کارخانه کار می کنید؟

مضارع اخباری ترجمه می شود.

و همچنین جمله دلالت بر مخاطب ندارد، فعل «يَسْتَعْلِمُونَ» مناسب جای خالی است.) ← ترجمه عبارت: کارگران در معادن کار می‌کنند.

• فعل مضارع با حرف «لا» و گاهی با حرف «ما» منفی می‌شود.

### لا + فعل مضارع ← مضارع منفی

با آوردن «لا» ی نفی بر سر فعل مضارع، آخر فعل هیچ تغییری نمی‌کند.

لا + يَذْهَبُ ← لا يَذْهَبُ (نمی‌رود)

لا + يَذْهَبَانِ ← لا يَذْهَبَانِ (نمی‌روند)

• فعل مضارع منفی به صورت مضارع اخباری منفی ترجمه می‌شود.

لِمَ لا تَكْتُبِينَ دَرْسَكَ؟ ترجمه ← چرا درست را نمی‌نویسی؟

لا أَتَذَكَّرُكَ يا زَمِيلِي. ترجمه ← تو را به یاد نمی‌آورم ای هم‌کلاسی‌ام.

مضارع منفی

تکرار ۲۱

### ایستگاه سؤال

#### ترجمه الأفعال التالية:

۱. أَحْسَنَ (نیکی کرد) ← العَلَمَاءُ لا يُحْسِنُونَ بِأَنْفُسِهِمْ. (مرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)
۲. تَظَاهَرَ (وانمود کرد) ← لا يَتَظَاهَرُ الصَّادِقُ بِالْكَذِبِ. (خرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)
۳. عَبَدَ (عبادت کرد) ← لا أَعْبُدُ ما تَعْبُدُونَ. (دی داخل و خارج ۱۴۰۲)
۴. هُمَ لا يَسْتَعْفِرُونَ. (شهریور ۹۹)
۵. لا تَطْعَمُوا الْمَساكِينَ مِمَّا لا تَأْكُلُونَ. (شهریور ۹۹)
۶. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لا يَمْتَنِعُونَ. (خرداد ۹۹)
۷. قَطَعَ (برید) ← لا نَقْطَعُ. (شهریور ۹۸)
۸. أَجْلَسَ (نشاند) ← لِمَاذَا لا تُجْلِسِينَ الأَطْفالَ؟ (دی ۹۸)
۹. لا تُشْمِرُ إِلا بَعْدَ عَشْرِ سَنواتِ. (خرداد ۹۸)
۱۰. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لا يَتَكَلَّمُ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۱. يا بُنَيَّ لا تَقُلْ ما لا تُحِبُّ أَنْ يُقالَ لَكَ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۲. سَجَّحَ (تشویق کرد) ← لا تُسَجِّعِينَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۳. عَلَّمَ (یاد داد) ← لا يُعَلِّمُونَ. (دی خارج ۹۹)
۱۴. عَبَدَ (عبادت کرد) ← لا يَعْبُدُ. (خرداد خارج ۹۹)
۱۵. عَفَّرَ (آمرزید) ← لا يُعْفِرُونَ. (دی خارج ۹۸)
۱۶. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لا أَتَذَكَّرُكَ يا زَمِيلِي. (خرداد خارج ۹۸)

#### اِنتخب الفعل المناسب للفراغ:

۱۷. مادَّةُ الدِّيناميتِ ..... إِلا بِإِرادَةِ الإِنسانِ. (اردیبهشت ۱۴۰۲)
- ۱) لَمْ اِنْفَجَرَ ○ ۲) لا يَنْفَجِرُ
- ۳) لا تَنْفَجِرُ ○ ۴) لَنْ اِنْفَجَرَ
۱۸. اللهُ مَنْ لا يَرْحَمُ النَّاسَ. (دی ۱۴۰۰)
- ۱) لا يَرْحَمُ ○ ۲) لا يَرْحَمُ ○ ۳) لا تَرْحَمُ

۳. آرمزش می‌خواهم («أَسْتَعْرِزُ» فعل مضارع و از باب «إِسْتِفْعال» است.) ← مضارع اخباری

۴. می‌فرستند (مضارع اخباری)

۵. می‌آفریند (مضارع اخباری)

۶. دوست می‌دارد («يُحِبُّ» فعل مضارع و صیغه مفرد مذکر غایب است.) ← مضارع اخباری

۷. مشاهده می‌کنم (مضارع اخباری)

۸. می‌شتابند («يُسارعُونَ» فعل مضارع و از باب «مُفَاعَلَة» است.) ← مضارع اخباری

۹. گزینه «۲»: «يَحْضُرُ (با توجه به «السُّيَّاح» که جمع مکسر است و نیز در اول جمله، فعل به صورت مفرد می‌آید.) ← ترجمه عبارت: گردشگران در سالن فرودگاه حاضر می‌شوند.

۱۰. گزینه «۱»: «يَرْحَمُ» بر مفرد مذکر دلالت دارد؛ بنابراین فعل در همین صیغه مناسب جای خالی است.) ← ترجمه عبارت: هر چیزی ارزان می‌شود هرگاه زیاد شود، به جز ادب.

۱۱. گزینه «۱»: «يُسَجِّعُونَ» («المُتَفَرِّجُونَ» جمع مذکر است؛ پس فعل نیز جمع مذکر می‌آید. ← ترجمه عبارت: تماشاگران تیم برنده‌شان را با شادی تشویق می‌کنند.)

۱۲. گزینه «۳»: «يَجْتَهِدُونَ» («الطَّالِبَات» جمع مؤنث است؛ و نیز با توجه به ضمیر متصل «هِنَّ» در کلمه «واجباتهن» فعل به صورت جمع مؤنث غایب می‌آید.) ← ترجمه عبارت: دانش‌آموزان در انجام تکالیفشان تلاش می‌کنند.

۱۳. گزینه «۱»: «يَقَاتِلُونَ» («الَّذِينَ» جمع مذکر است و فعل نیز در همین صیغه می‌آید.) ← ترجمه آیه شریفه: همانا خداوند دوست می‌دارد کسانی را که در راهش صف کشیده می‌جنگند.

۱۴. گزینه «۳»: «يُسَجِّحُ» («المُتَفَرِّجُونَ» جمع مذکر است؛ و فعل در ابتدای عبارت مفرد مذکر می‌آید.) ← ترجمه عبارت: گردشگران تیم خود را تشویق می‌کنند.

۱۵. گزینه «۳»: «يَذَكِّرَنَّ» (با توجه به «المؤمنات» که جمع مؤنث است و همچنین جمله دلالت بر مخاطب ندارد؛ فعل «يَذَكِّرَنَّ» مناسب جای خالی است.) ← ترجمه عبارت: مؤمنان خدا را بسیار یاد می‌کنند.

۱۶. گزینه «۳»: «يَنْجَحَنَّ» (با توجه به «الطَّالِبَات» که جمع مؤنث است و همچنین جمله دلالت بر مخاطب ندارد، فعل «يَنْجَحَنَّ» مناسب جای خالی است.) ← ترجمه عبارت: دانش‌آموزان در امتحان موفق می‌شوند.

۱۷. گزینه «۲»: «يَجْمَعُونَ» («الفلاحون» جمع مذکر است؛ بنابراین فعل در همین صیغه می‌آید.) ← ترجمه عبارت: کشاورزان محصولات را در مزرعه‌ها جمع می‌کنند.

۱۸. گزینه «۳»: «يَذْهَبُونَ» («الصَّيَّادُونَ» بر جمع مذکر دلالت دارد؛ و فعل در همین صیغه مناسب جای خالی است.) ← ترجمه عبارت: شکارچیان آفریقایی به محل پنهان شدن ماهی دهن شده می‌روند.

۱۹. گزینه «۲»: «يَسْتَعْلِمُونَ» (با توجه به «العَمَّال» که جمع مکسر است

۲۰. گزینه «۲»: يَشْكُرُونَ («لا»ی موجود در عبارت، «نفی» است؛ بنابراین آخر فعل تغییر نمی‌کند. [رد گزینه ۳] و نیز فعل مذکر می‌آید، زیرا مرجع آن کلمه «أَكْثَرُ النَّاسِ» می‌باشد. [رد گزینه ۱] ← ترجمه عبارت: همانا خداوند صاحب بخشش بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاس‌گزار نمی‌کنند.

۲۱. گزینه «۱»: «با توجه به قید «أَمْسِي» دبروز» که بر گذشته دلالت می‌کند؛ فعل ماضی «ما طَالَعْتَ» مناسب جای خالی است. ← ترجمه عبارت: دبروز کتاب‌هایت را مطالعه نکردی به جز کتاب زبان عربی.

۱۹. حَصَلْتَانِ فِي مُؤْمِنٍ: الْبُخْلِ وَ الْكِبْذِ. (خرداد ۱۴۰۰)

۱ ( ) لا يَجْتَمِعُ ( ) ۲ لا تَجْتَمِعَانِ ( ) ۳ لا تَجْتَمِعُ

۲۰. «إِنَّ اللَّهَ لَدُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا...» (شهریور ۹۹)

۱ ( ) تَشْكُرُونَ ( ) ۲ يَشْكُرُونَ ( ) ۳ يَشْكُرُوا

۲۱. أَمْسِي كُتُبِكَ إِلَّا كِتَابَ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

(دی ۹۸ - دی خارج ۹۹ - دی خارج ۱۴۰۰)

۱ ( ) ما طَالَعْتَ ( ) ۲ يُطَالَعُ ( ) ۳ لا تُطَالَعُ

پاسخ سوالات

۱. نیکی نمی‌کنند (لا + فعل مضارع (يُحْسِنُونَ) ← مضارع منفی)
  ۲. وانمود نمی‌کند (لا + فعل مضارع (يَتَظَاهَرُ) ← مضارع منفی)
  ۳. عبادت نمی‌کنم (لا + فعل مضارع (أَعْبُدُ) ← مضارع منفی)
  ۴. آموزش نمی‌خواهند (لا + فعل مضارع (يَسْتَعْفِرُونَ) ← مضارع منفی)
  ۵. نمی‌خورید (لا + فعل مضارع (تَأْكُلُونَ) ← مضارع منفی)
  ۶. خودداری نمی‌کنند (لا + فعل مضارع (يَمْتَنِعُونَ) ← مضارع منفی)
  ۷. نمی‌تربیم (لا + فعل مضارع (تَقْطَعُ) ← مضارع منفی)
  ۸. نمی‌نشانی (لا + فعل مضارع (تُجَلِّسِينَ) ← مضارع منفی)
  ۹. میوه نمی‌دهد (لا + فعل مضارع (تُؤْتِمِرُ) ← مضارع منفی)
  ۱۰. سخن نمی‌گوید (لا + فعل مضارع (يَتَكَلَّمُ) ← مضارع منفی)
  ۱۱. دوست نداری (لا + فعل مضارع (تُحِبُّ) ← مضارع منفی)
  ۱۲. تشویق نمی‌کنی (لا + فعل مضارع (تَشْجَعِينَ) ← مضارع منفی)
  ۱۳. یاد نمی‌دهند (لا + فعل مضارع (يُعَلِّمُونَ) ← مضارع منفی)
  ۱۴. عبادت نمی‌کند (لا + فعل مضارع (يَعْبُدُ) ← مضارع منفی)
  ۱۵. نمی‌آموزند (لا + فعل مضارع (يُعْفِرُونَ) ← مضارع منفی)
  ۱۶. به یاد نمی‌آورم (لا + فعل مضارع (أَتَذَكَّرُ) ← مضارع منفی)
- گزینه «۳»: لا تَنْفَعُ «ماده» مفرد مؤنث است و فعل برای آن در صیغه مفرد مؤنث صحیح است. ← ترجمه عبارت: ماده دینامیت جز با اراده انسان منفجر نمی‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه‌های ۱) و ۴): از نظر ساختار نادرست‌اند. (رجوع شود به کادر ۲ و ۹) (یادتون باشه که «لَمْ» و «أَلَمْ» بر سر فعل مضارع میان نه ماضی!!)
۱۷. گزینه «۲»: «لا يَنْفَعُ» در صیغه مفرد مذکر غایب است و با «ماده» که مؤنث آمده است مطابقت ندارد.
۱۸. گزینه «۲»: لا يَرْحَمُ «اللَّهُ» مفرد مذکر است؛ بنابراین فعل در همین صیغه می‌آید، در ضمن در گزینه (۱) حرکت آخر فعل فتحه گرفته و نادرست است. (یادتون باشه حرف «لا»ی نفی آخر فعل رو تغییر نمی‌ده). ← ترجمه عبارت: خداوند به کسی که به مردم رحم نمی‌کند، رحم نمی‌کند.
۱۹. گزینه «۳»: لا تَجْتَمِعُ «حَصَلْتَانِ» مثنای مؤنث است؛ بنابراین فعل مؤنث می‌آید. [رد گزینه ۱]، در ضمن فعل غایب ابتدای جمله مفرد آورده می‌شود. [رد گزینه ۲]. ترجمه عبارت: دو ویژگی در مؤمن جمع نمی‌شود: خسیس بودن و دروغ.

نهی

• فعلی است که دستور به انجام ندادن کاری می‌دهد.

▶ نپرس، نگویند، نروید و ...

• برای ساخت فعل نهی حرف «لا» را بر سرشش صیغه مخاطب می‌آوریم و آخر فعل را تغییر می‌دهیم. یعنی ضمّه آخر فعل تبدیل به ساکن می‌شود و اگر آخر فعل «ن» داشت آن را حذف می‌کنیم به جز «ن» جمع مؤنث.

تکرار ۲۵

- لا + تَسْأَلُ **نهی** ← لا تَسْأَلُ (نپرس) (ساکن کردن آخر فعل)
- لا + تَسْأَلَانِ **نهی** ← لا تَسْأَلَا (نپرسید) (حذف نون)
- لا + تَسْأَلْنَ **نهی** ← لا تَسْأَلْنَ (نپرسید) (نون حذف همیشه)

لا + فعل مضارع (با تغییر) ← **نهی**

• فعل نهی را به صورت امر منفی ترجمه می‌کنیم.

▶ لا تَخْرُجِي مِنَ الْبَيْتِ. **ترجمه** ← از خانه بیرون نرو.

فعل نهی

▶ لا تَتَكَلَّمُوا فِي الْمَكْتَبَةِ. **ترجمه** ← در کتابخانه سخن نگویند.

فعل نهی

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالية:

۱. تَظَاهَرَ (وانمود کرد) ← لا تَظَاهَرُوا بِالْمَرَضِ عِنْدَ الْإِمْتِحَانِ.

(خرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)

۲. اسْتَرْجَعَ (پس گرفت) ← أَخِي الْعَزِيزُ! لا تَسْتَرْجِعْ مَا أَعْطَانِي.

(خرداد ۱۴۰۲)

۳. عَبَدَ (عبادت کرد) ← لا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ.

(شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)

۴. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لا تَمْتَنِعُوا عَنِ الْمَطَالَعَةِ.

(شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)

۵. كَتَمَ (پنهان کرد) ← صَدِيقِي الْعَزِيزُ! لا تَكْتُمُ الْحَقِيقَةَ.

(شهریور ۱۴۰۱)

۶. صَنَعَ (ساخت) ← يا مُهَنْدِسُ! لا تَصْنَعْ هَذَا الْبِنَاءَ.

(خرداد ۱۴۰۱)

۷. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← لا تَتَكَلَّمُوا فِي الصَّفِّ.

(خرداد ۱۴۰۱)

۸. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لا تُرْسِلْ رِسَالَةً.

(خرداد ۱۴۰۱)

۹. مِنْ فَضْلِكُمْ؛ لا تُجَادِلُوا.

(دی ۱۴۰۰)

۱۰. قَطَعَ (برید) ← أَيُّهَا الْفَلَّاحُ! لا تَقْطَعْ شَجَرَةً.

(شهریور ۱۴۰۰)

۱۱. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لا تُرْسِلْ هَذِهِ الرِّسَالَةَ.

(خرداد ۱۴۰۰)

۱۲. عَامَلَ (رفتار کرد) ← إِلَهِي لا تَعَامِلْ بِعَدْلِكَ.

(شهریور ۹۹ - دی ۹۸)

۱۳. لا تُطْعَمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لا تَأْكُلُونَ.

(شهریور ۹۹)

۱۴. سَاعَدَ (کمک کرد) ← أَنْتِ لا تُسَاعِدِي.

(شهریور ۹۹)



● به فعلی گفته می‌شود که بر زمان آینده دلالت می‌کند و با اضافه شدن حرف «س / سوف» به اول فعل مضارع ساخته می‌شود.

### س / سوف + فعل مضارع ← مستقبل

● در ترجمه فعل مستقبل از مشتقات فعل «خواه...» استفاده می‌کنیم.

سَيَخْرُجُ ترجمه ← خارج خواهد شد.

سَوْفَ نَزِجُ ترجمه ← باز خواهیم گشت.

● فعل مستقبل با آمدن حرف «لن» بر سر فعل مضارع، منفی می‌شود.

لَنْ أَجْلِسَ ← لن اجلس

### لن + فعل مضارع (با تغییر) ← مستقبل منفی

● در ترجمه فعل مستقبل منفی از مشتقات فعل «نخواه...» استفاده می‌کنیم.

لَنْ تَذْهَبَ ترجمه ← نخواهی رفت، نخواهد رفت

لَنْ تَعْلَمُوا ترجمه ← نخواهید دانست

### ایستگاه سؤال

#### ترجمه الأفعال التالية:

۱. كَتَبَ (نوشت) ← لَنْ يَكْتُبَ الْعَاقِلُ عَلَى الْآثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.

(مرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)

۲. ذَكَرَ (یاد کرد) ← سَأَذْكَرُ جَدِّي وَ جَدَّتِي.

(خرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)

۳. جَلَسَ (نشست) ← لَنْ نَجْلِسَ قَبْلَ أَسْتَاذِنَا.

(خرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)

۴. اسْتَرْجَعَ (پس گرفت) ← لَنْ تَسْتَرْجِعَ الْمُؤْمِنَةُ عَهْدَهَا مَعَ رَبِّهَا.

(خرداد ۱۴۰۲)

۵. اسْتَرْجَعَ (پس گرفت) ← زَمِيلِي سَيَسْتَرْجِعُ حَقِيَّتَهُ.

(خرداد ۱۴۰۲)

۶. نَصَرَ (یاری کرد) ← الْأَغْنِيَاءُ سَوْفَ يَنْصُرُونَ الْفُقَرَاءَ.

(دی داخل و خارج ۱۴۰۲)

۷. اسْتَعْمَلَ (کار کرد) ← لَنْ يَسْتَعْمَلَ الْعَامِلُ فِي الْمَنْجَمِ.

(شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)

۸. امْتَنَعَ (خودداری کرد) ← سَوْفَ تَمْتَنِعُ عَنِ الْخُرُوجِ.

(شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)

۹. اسْتَعْفَرَ (آمزش خواست) ← لَنْ يَسْتَعْفِرَ الْمُشْرِكُ مِنْ ذَنْبِهِ.

(دی ۱۴۰۱)

۱۰. سَاعَدَ (کمک کرد) ← سَأَسَاعِدُ صَدِيقِي فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِهِ.

(دی ۱۴۰۱)

۱۱. كَتَمَ (پنهان کرد) ← النَّاسُ لَنْ يَكْتُمُوا أَسْرَارَ حَيَاتِهِمْ.

(شهریور ۱۴۰۱)

۱۲. صَنَعَ (ساخت) ← إِنَّهُ لَنْ يَصْنَعَ شَيْئاً.

(خرداد ۱۴۰۱)

۱۳. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← سَتَتَذَكَّرُ الدَّرْسَ.

(دی ۱۴۰۰)

۱۴. امْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَنْ نَمْتَنِعَ عَنِ الْخُرُوجِ.

(شهریور ۱۴۰۰ - خرداد خارج ۹۹)

۱۵. قَاتَلَ (جنگید) ← لَنْ تُقَاتِلُوا الْأَصْدِقَاءَ.

(خرداد ۱۴۰۰)

۱۶. امْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لَنْ نَمْتَنِعَ.

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

۱۵. امْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لا تَمْتَنِعُوا.

۱۶. جَالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← يا رِجَالٌ لا تُجَالِسُوا الْأَشْرَارَ.

(خرداد ۹۸)

۱۷. ذَكَرَ (یاد کرد) ← لا تَذْكُرْ.

(دی ۹۷)

۱۸. لا تَطْلِمُ كَمَا لا تُحِبُّ أَنْ تُطْلَمَ.

(دی ۹۷)

۱۹. قَطَعَ (برید) ← لا تَقْطَعُوا صِدَاقَتَكُمْ.

(دی خارج ۱۴۰۰)

۲۰. يا بُيَّتِي، لا تَقُلْ ما لا تُحِبُّ أَنْ يُقالَ لَكَ.

(دی خارج ۱۴۰۰)

۲۱. جَالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← لا تُجَالِسِ الْأَشْرَارَ.

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

۲۲. صَنَعَ (ساخت) ← لا تَصْنَعْ هذا البابَ.

(خرداد خارج ۱۴۰۰)

۲۳. ذَكَرَ (یاد کرد) ← لا تَذْكُرُوا.

(دی خارج ۹۹)

۲۴. إلهي! لا تُعَامِلْنَا بِعَدْلِكَ.

(خرداد خارج ۹۹)

۲۵. ﴿وَ لا تَهِنُوا وَ لا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ﴾

○ ۱) سست نشوید

○ ۲) سست نمی‌شوید

○ ۳) نباید سست شوید

### پاسخ سؤالات

۱. وانمود نکنید (لا + تَتَظَاهَرُونَ ← لا تَتَظَاهَرُوا (نهی))

۲. پس نگیر (لا + تَسْتَرْجِعُ ← لا تَسْتَرْجِعُ (نهی))

۳. عبادت نکنید (لا + تَعْبُدُونَ ← لا تَعْبُدُوا (نهی))

۴. خودداری نکنید (لا + تَمْتَنِعُونَ ← لا تَمْتَنِعُوا (نهی))

۵. پنهان نکن (لا + تَكْتُمُ ← لا تَكْتُمُ (نهی))

۶. نساژ (لا + تَصْنَعُ ← لا تَصْنَعُ (نهی))

۷. سخن نگوئید (لا + تَتَكَلَّمُونَ ← لا تَتَكَلَّمُوا (نهی))

۸. نفرست (لا + تُرْسِلْ ← لا تُرْسِلْ (نهی))

۹. بحث نکنید (لا + تُجَادِلُونَ ← لا تُجَادِلُوا (نهی))

۱۰. نبر (لا + تَقْطَعُ ← لا تَقْطَعُ (نهی))

۱۱. نفرست (لا + تُرْسِلْ ← لا تُرْسِلْ (نهی))

۱۲. رفتار نکن (لا + تُعَامِلُ ← لا تُعَامِلُ (نهی))

۱۳. نخورانید (لا + تَطْعَمُونَ ← لا تَطْعَمُوا (نهی))

۱۴. کمک نکن (لا + تُسَاعِدِينَ ← لا تُسَاعِدِي (نهی))

۱۵. خودداری نکنید (لا + تَمْتَنِعُونَ ← لا تَمْتَنِعُوا (نهی))

۱۶. هم‌نشینی نکنید (لا + تُجَالِسُونَ ← لا تُجَالِسُوا (نهی))

۱۷. یاد نکن (لا + تَذْكُرْ ← لا تَذْكُرْ (نهی))

۱۸. ستم نکن (لا + تَطْلِمُ ← لا تَطْلِمُ (نهی))

۱۹. برید (لا + تَقْطَعُونَ ← لا تَقْطَعُوا (نهی))

۲۰. نگو (لا + تَقُولُ ← لا تَقُلْ (نهی))

۲۱. هم‌نشینی نکن (لا + تُجَالِسُ ← لا تُجَالِسِ (نهی))

۲۲. نساژ (لا + تَصْنَعُ ← لا تَصْنَعُ (نهی))

۲۳. یاد نکنید (لا + تَذْكُرُونَ ← لا تَذْكُرُوا (نهی))

۲۴. رفتار نکن (لا + تُعَامِلُ ← لا تُعَامِلُ (نهی))

۲۵. گزینۀ «۱»: سست نشوید (لا + تَهِنُونَ ← لا تَهِنُوا (نهی))

۱۷. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ لَنْ يُسَاعِدُوا. (شهریور ۹۹)
۱۸. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هُمْ لَنْ يَجْتَهِدُوا. (خرداد ۹۹)
۱۹. نَجَحَ (موفق شد) ← سَوْفَ يَنْجَحُ. (شهریور ۹۸)
۲۰. شاهدَ (مشاهده کرد) ← لَنْ يُشَاهِدَ. (شهریور ۹۸)
۲۱. جالَسَ (هم‌نشینی کرد) ← هُوَ لَنْ يُجَالِسَ الْأَعْدَاءَ. (خرداد ۹۸)
۲۲. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← جَدِّي لَنْ يَتَذَكَّرَكَ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۲۳. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لَنْ أُسَاعِدَهُمْ فِي الدَّنْبِ. (دی خارج ۱۴۰۰)
۲۴. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← سَوْفَ يَتَذَكَّرَنَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۲۵. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لَنْ نُرْسِلَ رِسَالَةً. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۲۶. عَلَّمَ (یاد داد) ← لَنْ يُعَلِّمَ. (دی خارج ۹۹)
۲۷. اِغْتَذَرَ (پوزش خواست) ← سَيَعْتَذِرُ. (دی خارج ۹۹)
۲۸. قَلَّدَ (تقلید کرد) ← لَنْ يُقَلِّدَ. (دی خارج ۹۹)
۲۹. اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لَنْ تَجْتَهِدَ. (خرداد خارج ۹۹)
۳۰. عَبَدَ (عبادت کرد) ← سَيَعْبُدُونَ. (خرداد خارج ۹۹)
۳۱. تَنَكَّأَتِ (نامه‌نگاری کرد) ← لَنْ يَتَنَكَّأَتِ. (شهریور خارج ۹۸)
۳۲. لَنْ يَرْجِعَ صَدِيقِي إِلَى بَلَدِهِ. (دی خارج ۹۷)
۱۳. به یاد خواهیم آورد (س + فعل مضارع (تَذَكَّرَ) ← مستقبل (منفی)) (شهریور ۹۹)
۱۴. خودداری نخواهیم کرد (لن + فعل مضارع (نَمْتَنِعُ) ← مستقبل (منفی)) (شهریور ۹۸)
۱۵. نخواهید جنگید (لن + فعل مضارع (تُقَاتِلُونَ) ← مستقبل (منفی)) (شهریور ۹۸)
۱۶. خودداری نخواهیم کرد (لن + فعل مضارع (نَمْتَنِعُ) ← مستقبل (منفی)) (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۱۷. کمک نخواهند کرد (لن + فعل مضارع (يُسَاعِدُونَ) ← مستقبل (منفی)) (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۸. تلاش نخواهند کرد (لن + فعل مضارع (يَجْتَهِدُونَ) ← مستقبل (منفی)) (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۹. موفق خواهد شد (سَوْفَ + فعل مضارع (يَنْجَحُ) ← مستقبل (منفی)) (دی خارج ۹۹)
۲۰. مشاهده خواهد کرد (لن + فعل مضارع (يُشَاهِدُ) ← مستقبل (منفی)) (دی خارج ۹۹)
۲۱. هم‌نشینی خواهد کرد (لن + فعل مضارع (يُجَالِسُ) ← مستقبل (منفی)) (شهریور خارج ۹۸)
۲۲. به یاد خواهد آورد (لن + فعل مضارع (يَتَذَكَّرُ) ← مستقبل (منفی)) (دی خارج ۹۷)
۲۳. کمک نخواهم کرد (لن + فعل مضارع (أُسَاعِدُ) ← مستقبل (منفی)) (دی خارج ۹۹)
۲۴. به یاد خواهند آورد (سَوْفَ + فعل مضارع (يَتَذَكَّرَنَ) ← مستقبل (منفی)) (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۲۵. نخواهیم فرستاد (لن + فعل مضارع (نُرْسِلُ) ← مستقبل (منفی)) (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۲۶. یاد خواهد داد (لن + فعل مضارع (يُعَلِّمُ) ← مستقبل (منفی)) (دی خارج ۹۹)
۲۷. پوزش خواهد خواست (س + فعل مضارع (يَعْتَذِرُ) ← مستقبل (منفی)) (دی خارج ۹۹)
۲۸. تقلید نخواهد کرد (لن + فعل مضارع (يُقَلِّدُ) ← مستقبل (منفی)) (دی خارج ۹۹)
۲۹. تلاش نخواهد کرد، تلاش نخواهی کرد (لن + فعل مضارع (تَجْتَهِدُ) ← مستقبل (منفی)) (دی خارج ۹۹)
۳۰. عبادت خواهند کرد (س + فعل مضارع (يَعْبُدُونَ) ← مستقبل (منفی)) (دی خارج ۹۹)
۳۱. نامه‌نگاری نخواهد کرد (لن + فعل مضارع (يَتَنَكَّأَتِ) ← مستقبل (منفی)) (شهریور خارج ۹۸)
۳۲. باز نخواهد گشت (لن + فعل مضارع (يَرْجِعُ) ← مستقبل (منفی)) (دی خارج ۹۷)
۱. نخواهد نوشت (لن + فعل مضارع (يَكْتُبُ) ← مستقبل (منفی)) (شهریور ۹۹)
۲. یاد خواهیم کرد (س + فعل مضارع (أَدْكُرُ) ← مستقبل (منفی)) (شهریور ۹۹)
۳. نخواهیم نشست (لن + فعل مضارع (نَجْلِسُ) ← مستقبل (منفی)) (شهریور ۹۹)
۴. پس نخواهد گرفت (لن + فعل مضارع (تَسْتَرْجِعُ) ← مستقبل (منفی)) (شهریور ۹۹)
۵. پس خواهد گرفت (س + فعل مضارع (يَسْتَرْجِعُ) ← مستقبل (منفی)) (شهریور ۹۹)
۶. یاری خواهند کرد (سَوْفَ + فعل مضارع (يُنْصُرُونَ) ← مستقبل (منفی)) (شهریور ۹۹)
۷. کار نخواهد کرد (لن + فعل مضارع (يَسْتُغْلِ) ← مستقبل (منفی)) (شهریور ۹۹)
۸. خودداری خواهیم کرد (سَوْفَ + فعل مضارع (نَمْتَنِعُ) ← مستقبل (منفی)) (شهریور ۹۹)
۹. آرمزش نخواهد خواست (لن + فعل مضارع (يَسْتَعْفِرُ) ← مستقبل (منفی)) (شهریور ۹۹)
۱۰. کمک خواهیم کرد (س + فعل مضارع (أُسَاعِدُ) ← مستقبل (منفی)) (شهریور ۹۹)
۱۱. پنهان خواهند کرد (لن + فعل مضارع (يَكْتُمُونَ) ← مستقبل (منفی)) (شهریور ۹۹)
۱۲. نخواهد ساخت (لن + فعل مضارع (يَصْنَعُ) ← مستقبل (منفی)) (شهریور ۹۹)

پاسخ سوالات



❖ **مضارع + مضارع ← مضارع التزامی (و یا مضارع اخباری)**

أَفْتَجِرُ بِطَالِبٍ يَسْعَى فِي مَضَارِعِ  
مضارع مضارع  
به دانش آموزی افتخار می‌کنم که در کسب فضیلت‌های اخلاقی بکوشد. (می‌کوشد) اکتسابِ الفَضَائِلِ الْأَخْلَاقِيَّةِ.

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیة:

۱. دَرَسَ (درس داد) ← أَحِبُّ أَنْ أُدْرَسَ فِي الْجَامِعَةِ. (خرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)
۲. لَعِبَ (بازی کرد) ← لَا تَلْعَبُ تَلْمِيذُهُ ذَكِيَّةً فِي الصَّفِّ. (دی ۱۴۰۱)
۳. كَتَبَ (نوشت) ← الْأَطْفَالُ لَا يَكْتَبُوا عَلَى الْأَشْجَارِ. (دی ۱۴۰۱)
۴. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← أَنْ نَمْتَنِعَ. (آذر ۱۴۰۱)
۵. قَاتَلَ (جنگید) ← لَا يُقَاتِلُ صَدِيقَهُ. (خرداد ۱۴۰۰)
۶. لِيُجْرِيَ فِيهِ تِجَارَتُهُ. (شهریور ۹۹)
۷. اِحْتَجَدَ (تلاش کرد) ← نَحْنُ لِنَجْتَهِدَ. (خرداد ۹۹)
۸. لِيَسْتَمِعَ الْحُضَارُ بِدَقِّهِ حَتَّى يُدْرِكُوا كَلَامَهُ. (شهریور ۹۸)
۹. إِنْ تَرْجِعْ أَرْجِعْ. (شهریور ۹۸)
۱۰. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← مَنْ يَتَكَلَّمْ فِي الإِمْتِحَانِ يَخْسِرْ. (دی داخل و خارج ۱۴۰۲ - خرداد ۹۸)
۱۱. اسْتَعْفَرَ (آمرزش خواست) ← لَيْتَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ لِدُنُوبِهِمْ. (خرداد ۹۸)
۱۲. أَحْسِنُ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسِنَ إِلَيْكَ. (خرداد ۹۸)
۱۳. لِنَقْرَأْ هَذِهِ الْقِصَّةَ لِكَيْ نَطَّلِعَ عَلَى أَعْمَالِ الْإِنْسَانِ. (خرداد ۹۸ - دی خارج ۱۴۰۰ - دی خارج ۹۷)

۱۴. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لَيْتَهُ يُسَاعِدُ. (تیر ۹۸)
۱۵. ذَكَرَ (یاد کرد) ← لَيْتَهُ يَذْكُرُ. (دی ۹۷)
۱۶. لَا تَطْلُمُ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تَطْلُمَ. (دی ۹۷)
۱۷. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← لَا يَتَذَكَّرُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۸. عَامَلَ (رفتار کرد) ← أَنْ يُعَامِلُوا. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۹. هُوَ يُرِيدُ أَنْ يَرْجِعَ. (دی خارج ۹۹)
۲۰. «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ» (دی خارج ۹۹)
۲۱. سَاعَدَ (کمک کرد) ← لِكَيْ يُسَاعِدَ. (خرداد خارج ۹۸)

إِتِّخِبَ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ:

۲۲. عَلَى الْإِنْسَانِ الْعَاقِلِ أَنْ ..... مِنْ الْوَجْهِ النَّافِعِ. (خرداد ۹۹)
- (۱) يَسْتَفِيدُ ○ (۲) تَسْتَفِيدُ ○ (۳) يَسْتَفِيدُ
۲۳. لَيْتَنِي ..... جَمِيعَ مَدُنِ بِلَادِي. (شهریور ۹۸)
- (۱) يُشَاهِدُ ○ (۲) أَشَاهِدُ ○ (۳) تُشَاهِدُ

مضارع التزامی

۲۳  
تکرار

• فعلی است که بروقوع کاری همراه با شک و تردید و تمنا و ... دلالت می‌کند؛ اما وقوع آن حتمی نیست.  
• در زبان عربی فعل‌هایی که با هر یک از ساختارهای زیر می‌آیند، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شوند. (ب + بن فعل + شناسه ← پَرَوْمَ، پَرَوِي، پَرُودَ و ...)

۱ أَنْ (که) / كَيْ، لِكَيْ، حَتَّى (تا، برای این که) +

فعل مضارع (با تغییر) ← مضارع التزامی

إِتَّصَلَ بِصَدِيقِهِ لِكَيْ يُصَلِّحَ سَيِّئَاتِهِمْ. با دوستش تماس گرفت تا ماشینشان را تعمیر بکند. مضارع التزامی	لِكَيْ + يُصَلِّحَ
أَرْسَلَ عَلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءَ لِيُنَبِّئُوا الصَّرَاطَ و دین حق را آشکار کنند. مضارع التزامی	لِيُنَبِّئُوا ← لِيُنَبِّئُوا

۲ إِنْ (اگر)، مَن (هرکس)، مَا (هرچه)، إِذَا (هرگاه، اگر، چنان چه)

+ فعل (ماضی - مضارع) ← مضارع التزامی

(ساختار شماره ۲) مربوط همیشه به اسلوب شرط (جمله‌های شرطی) که فعل شرط (فعل اول) طبق فرمول بالا مضارع التزامی و جواب شرط (فعل دوم) مضارع اخباری ترجمه می‌شود.

إِذَا أَرَادَ اللَّهُ هَلَاكَ النَّمْلَةِ أَنْبَتَ لَهَا جَنَاحَيْنِ. اگر خداوند نابودی مورچه را خواهد، برایش دو بال می‌رویانند. مضارع التزامی مضارع اخباری	جواب شرط (ماضی) شرط
إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند. مضارع التزامی مضارع اخباری	جواب شرط شرط

۳ لِ (امر) + مضارع (غائب / متکلم) ← باید + مضارع التزامی

- لِ + يُرْسِلْ ← لِيُرْسِلْ (باید بفرستد)
- لِ + نَنْتَقِمْ ← لِنَنْتَقِمْ (باید انتقام بگیریم)
- گاهی حروف ربطی مانند «و»، «ف»، «ثُمَّ» قبل از «لِ» می‌آیند و آن را لام امر ساکن می‌کنند.

وَلْتَذَكَّرْ مِثْلًا إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. و باید یاد کنیم.	لِ + فعل متکلم مع العبر (لِ) به خاطر (او) ساکن شده است.
--	---

۴ لا (نهی) + مضارع (غائب / متکلم) ← نباید + مضارع التزامی

- لا + يَنْتَقِلْ ← لَا يَنْتَقِلْ (ناباید جابه‌جا شود)
- لا + يَذْهَبُوا ← لَا يَذْهَبُوا (ناباید بروند)

۵ لَيْتَ (ای کاش)، لَعَلَّ (شاید، گاهی، امید است و ...)

فعل مضارع ← مضارع التزامی

لَيْتَ قَوْمِي يَغْلِبُونَ ای کاش قوم من بداند.	لَيْتَ قَوْمِي يَغْلِبُونَ
لَعَلَّ ... لَعَلَّهُمْ يَغْلِبُونَ شاید آن‌ها خردورزی کنند.	لَعَلَّ ... لَعَلَّهُمْ يَغْلِبُونَ

پاسخ سوالات

۱. درس بخوانم (أَنْ + فعل مضارع (أُدْرَسُ) ← أَنْ أُدْرَسَ ← مضارع التزامی)
۲. نباید بازی کند (لا (نهی) + فعل غایب (تَلْعَبُ) ← لا تَلْعَبُ ← مضارع التزامی منفی)
۳. نباید بنویسند (لا (نهی) + فعل غایب (يَكْتُبُونَ) ← لا يَكْتُبُوا ← مضارع التزامی منفی)
۴. خودداری کنیم (أَنْ + فعل مضارع (نَمْتَنِعُ) ← أَنْ نَمْتَنِعَ ← مضارع التزامی)
۵. نباید بجنگد (لا (نهی) + فعل غایب (يُقَاتِلُ) ← لا يُقَاتِلُ ← مضارع التزامی منفی)
۶. تا اجرا کند (لِ + فعل مضارع (يُجْرِي) ← لِيُجْرِيَ ← مضارع التزامی)
۷. باید تلاش کنیم (لِ (امر) + فعل متکلم (نَجْتَهِدُ) ← لِنَجْتَهِدْ ← مضارع التزامی)
۸. باید گوش فرا بدهند (لِ (امر) + فعل غایب (يَسْتَمِعُ) ← لِيَسْتَمِعْ ← مضارع التزامی) / تا درک کنند (حتى) + فعل مضارع (يُدْرِكُونَ) ← حَتَّى يُدْرِكُوا ← مضارع التزامی)
۹. برگردی ((إِنْ: اگر ← ادات شرط) / «تَرْجِعْ» فعل شرط است. (مضارع التزامی) / برمی‌گردم ((أَرْجِعُ» جواب شرط است ← مضارع اخباری)
۱۰. سخن بگوید ((مَنْ: هرکس ← ادات شرط) / «يَتَكَلَّمُ» فعل شرط است ← مضارع التزامی)
۱۱. آموزش بخواهند (لَيْتَ + فعل مضارع (يَسْتَعْفِرُونَ) ← مضارع التزامی)
۱۲. نیکی بشود (أَنْ + فعل مضارع مجهول يُحْسَنُ ← مضارع التزامی)
۱۳. باید بخوانیم (لِ (امر) + فعل متکلم (نَقْرَأُ) ← لِنَقْرَأْ (مضارع التزامی) / تا آگاه شویم (لِکي) + فعل مضارع (نَطْلِعُ) ← لِکي نَطْلِعَ ← مضارع التزامی)
۱۴. کمک کند (لَيْتَ + فعل مضارع (يُسَاعِدُ) ← مضارع التزامی)
۱۵. یاد کند (لَيْتَ + فعل مضارع (يَذْکُرُ) ← مضارع التزامی)
۱۶. مورد ستم واقع شوی (أَنْ + فعل مضارع مجهول (تُظَلَمُ) ← أَنْ تُظَلَمَ ← مضارع التزامی)
۱۷. نباید به یاد آورند (لا (نهی) + فعل غایب (يَتَذَكَّرَانِ) ← لا يَتَذَكَّرَا ← مضارع التزامی منفی)
۱۸. رفتار کنند (أَنْ + فعل مضارع (يُعَامِلُونَ) ← أَنْ يُعَامِلُوا ← مضارع التزامی)
۱۹. که برگردد (أَنْ + فعل مضارع (يَرْجِعُ) ← أَنْ يَرْجِعَ ← مضارع التزامی)
۲۰. نباید غمگین کند (لا (نهی) + فعل غایب (يَحْزُنُ) ← لا يَحْزُنُ ← مضارع التزامی منفی)
۲۱. تا کمک کند (لِکي) + فعل مضارع (يُسَاعِدُ) ← لِکي يُسَاعِدْ ← مضارع التزامی)
۲۲. گزینۀ «۳»: «يَسْتَفِيدُ» فعل مضارع در صیغۀ مفرد مذکر غایب است و با کلمۀ «الإنسان» که مفرد مذکر است مطابقت دارد؛ در ضمن حرکت آخر فعل به خاطر وجود «أَنْ» فتحه می‌گیرد. ← (ترجمۀ عبارت: انسان دانا باید از وجه سودمند استفاده کند.)
۲۳. گزینۀ «۲»: با توجه به ضمیر متکلم وحده «ي» در «لَيْتَنِي» فعل نیز به صورت متکلم وحده می‌آید. ← ترجمۀ عبارت: کاش من همۀ شهرهای کشورم را ببینم.



• هرگاه حرف «قَد» بر سر فعل مضارع بیاید، فعل مضارع را با قید «گاهی، شاید» ترجمه می‌کنیم.

قَد + مضارع ← گاهی / شاید

- قَد + أَلْعَبُ ترجمه گاهی بازی می‌کنم، شاید بازی کنم
- در ترجمۀ فعل مضارع همراه با «قَد» از فرمول «گاهی + مضارع اخباری» یا «شاید + مضارع التزامی» استفاده می‌کنیم.

قَد أَذْهَبُ إِلَى الْقَرْيَةِ لِحَوِّهَا الْمُغْتَدِلِ.	
گاهی به روستا به خاطر هوای معتدلش می‌روم.	شاید به روستا به خاطر هوای معتدلش بروم.

ایستگاه سؤال

تَرْجِمِ الْأَفْعَالِ التَّالِيَةَ:

۱. اِسْتَرْجَعَ (پس گرفت) ← قَد نَسْتَرْجِعُ الرِّسَالَةَ. (خرداد ۱۴۰۲)
۲. لَعِبَ (بازی کرد) ← قَد يَلْعَبُ الطِّفْلُ فِي الْغُرْفَةِ. (دی ۱۴۰۱)
۳. تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← التَّلَامِيذُ قَد يَتَعَلَّمُونَ اللُّغَةَ الْفَرَنْسِيَّةَ. (دی ۱۴۰۱)
۴. ذَكَرَ (یاد کرد) ← قَد يَذْکُرُ جَدِّي صَدِيقَهُ. (دی خارج ۱۴۰۰ - شهریور ۱۴۰۰)
۵. اِحْتَهَدَ (تلاش کرد) ← هُوَ قَد يَحْتَهِدُ. (خرداد ۱۴۰۰)
۶. وَ قَد يَذْکُرُهُمْ. (شهریور ۹۸)
۷. تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← قَد يَتَكَلَّمُ مَعَ صَدِيقِهِ. (خرداد خارج ۱۴۰۱)
۸. شَجَّعَ (تشویق کرد) ← قَد يُشَجِّعُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۹. عَلَّمَ (یاد داد) ← قَد يُعَلِّمُ الدَّرْسَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۰. صَنَعَ (ساخت) ← هِيَ قَد تَصْنَعُ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۱۱. قَلَّدَ (تقلید کرد) ← قَد يُقَلِّدُونَ. (دی خارج ۹۹)

اِنتِخِبِ الصَّحِيحَ:

۱۲. قَد ..... الطِّيُورُ إِلَى حَيْلٍ. (شهریور ۱۴۰۱)
  ۱۳. قَد يَذْکُرُ الْأُسْتَاذُ تَلَامِيذَهُ الْقَدَمَاءَ. (خرداد خارج ۹۸)
- (۱) يَلْجَأُ       (۲) تَلْجَأُ       (۳) يَلْجَوُونَ
- (۱) یاد کرده است       (۲) گاهی یاد خواهد کرد       (۳) گاهی یاد می‌کند

پاسخ سوالات

۱. گاهی پس می‌گیریم، شاید پس بگیریم (قَد + فعل مضارع (نَسْتَرْجِعُ))
۲. گاهی بازی می‌کند، شاید بازی کند (قَد + فعل مضارع (يَلْعَبُ))
۳. گاهی یاد می‌گیرند، شاید یاد بگیرند (قَد + فعل مضارع (يَتَعَلَّمُونَ))
۴. گاهی یاد می‌کند، شاید یاد کند (قَد + فعل مضارع (يَذْکُرُ))
۵. گاهی تلاش می‌کند، شاید تلاش کند (قَد + فعل مضارع (يَحْتَهِدُ))
۶. گاهی یاد می‌کند، شاید یاد کند (قَد + فعل مضارع (يَذْکُرُ))
۷. گاهی سخن می‌گوید، شاید سخن بگوید (قَد + فعل مضارع (يَتَكَلَّمُ))
۸. گاهی تشویق می‌کند، شاید تشویق کند (قَد + فعل مضارع (يُشَجِّعُ))
۹. گاهی یاد می‌دهد، شاید یاد بدهد (قَد + فعل مضارع (يُعَلِّمُ))

«اجْتَهَدُوا» فعل امر (حرکت عین الفعل «کسره» هست). و از باب «افْتَعَال» است و نباید آن را با ماضی «اجْتَهَدُوا» اشتباه بگیرید.  
 < حالا به ساخت فعل امر باب های «مُفَاعَلَةٌ، تَفَاعُلٌ، تَفَعُّلٌ، تَفَعُّلٌ» دقت کنید. هنگام امر این فعل ها، زمانی که حرف مضارع «ت» را حذف می کنیم به راحتی می توانیم فعل را بخوانیم، بنابراین نیازی به همزه فعل امر نداریم.

تُجَاهِدُ امْرَأَةً جَاهِدًا (مبارزه کن)      تَعْلَمُونَ امْرَأَةً عِلْمًا (یاد دهید)

< به وزن های ماضی، مضارع، مصدر و امر باب های «مُفَاعَلَةٌ، تَفَاعُلٌ، تَفَعُّلٌ، تَفَعُّلٌ» دقت کنید تا آن ها را با یکدیگر اشتباه نگیرید.

باب	مُفَاعَلَةٌ	تَفَاعُلٌ	تَفَعُّلٌ
ماضی	كَاتَبَ (نامه نگاری کرد)	تَقَاعَدَ (بازنشسته شد)	تَذَكَّرَ (به یاد آورد)
مضارع	يُكَاتِبُ (نامه نگاری می کند)	يَتَقَاعَدُ (بازنشسته می شود)	يَتَذَكَّرُ (به یاد می آورد)
مصدر	مُكَاتَبَةٌ (نامه نگاری کردن)	تَقَاعُدٌ (بازنشسته شدن)	تَذَكُّرٌ (به یاد آوردن)
امر	كَاتِبْ (نامه نگاری کن)	تَقَاعَدْ (بازنشسته شو)	تَذَكَّرْ (به یاد آور)
توضیحات	به ماضی و امر دقت کنید.	مصدر را با فعل امر اشتباه نگیرید.	به ماضی و مصدر و امر دقت کنید.

ایستگاه سؤال

ترجمه الأفعال التالیة:

- أَحْسَنَ (نیکی کرد) ← أَحْسِنُوا عَلَى الْآخِرِينَ. (مرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)
- جَلَسَ (نشست) ← رَجَاءٌ، اجْلِسُوا عِنْدَ الدِّيْكَمِ شَاكِرِينَ. (خرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)
- اسْتَرْجَعَ (پس گرفت) ← رَجَاءٌ، اسْتَرْجِعْ أَمَانَتَكَ. (خرداد ۱۴۰۲)
- نَصَرَ (باری کرد) ← رَجَاءٌ، أَنْصِرِي زُمَّلَاتِكَ. (دی داخل و خارج ۱۴۰۲)
- تَكَلَّمَ (سخن گفت) ← يَا تَلَامِيذُ! تَكَلَّمُوا بِهَدْوٍ. (دی داخل و خارج ۱۴۰۲)
- عَلَّمَنِي الكُتُبَ النَّافِعَةَ. (ارديبهشت ۱۴۰۲)
- تَعَلَّمَ (یاد گرفت) ← رَجَاءٌ تَعَلَّمُوا الْعَرَبِيَّةَ. (دی ۱۴۰۱)
- اسْتَعْفَرَ (آمزش خواست) ← اسْتَعْفِرُوا اللَّهَ جَمِيعًا. (دی ۱۴۰۱)
- اسْتَعْفَرَ (آمزش خواست) ← اسْتَعْفِرُوا النَّاسَ مِنَ اللَّهِ مَحْمُودًا. (دی ۱۴۰۱)
- تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← أَيُّهَا الطَّالِبَاتُ! تَذَكَّرْنَ الْوَاجِبَاتِ. (شهریور ۱۴۰۱)
- اجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← مِنْ فَضْلِكُمْ اجْتَهَدُوا. (خرداد ۱۴۰۰)
- قاتل (جنگید) ← قَاتِلِ الْأَعْدَاءَ. (خرداد ۱۴۰۰)
- عَامَلَ (رفتار کرد) ← الْمُعَامَلَةَ. (شهریور ۹۹)
- شاهدَ (دید) ← رَجَاءٌ شَاهَدُوا. (خرداد ۹۹)

- گاهی می سازد، شاید بسازد (قَد + فعل مضارع (تَصْنَعُ))
- گاهی تقلید می کنند، شاید تقلید کنند (قَد + فعل مضارع (يُقَلِّدُونَ))
- گزینه «۲»: (با توجه به کلمه «الطَّيْبُور» که جمع مکسر غیر عاقل است، فعل در صیغه مفرد مؤنث می آید؛ «تَلَجَّأً») ← ترجمه عبارت: گاهی پرندگان به چاره اندیشی پناه می برند.
- گزینه «۳»: گاهی یاد می کند (قَد + فعل مضارع (يَذْكُرُ))



• فعل امر، فعلی است که در آن به انجام دادن کاری دستور می دهیم.  
 < اجْلِسْ / اجْلِسِي / اجْلِسُوا: داخل شوید / اُزْسِلَا: بفرستید

ساخت فعل امر از صیغه های مخاطب:

با حذف حرف مضارع «ت» به ساکن می رسیم و برای سهولت تلفظ همزه می آوریم و سپس فعل های دارای «و» در انتهای فعل به ساکن و فعل هایی که «ن» دارند، «نونشون» حذف می شود به جز نون جمع مؤنث، (دقت کنید این تغییرات در فعل ثلاثی مجرد و فعل های ثلاثی مزید در باب های «اسْتِفْعَالٌ، اِفْتِعَالٌ، اِنْفِعَالٌ، اِفْعَالٌ» هست).  
 < یادتون باشه حرکت همزه متناسب با حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی فعل) هست. (اگه ضمه بود همیشه ضمه (ـه) و اگه کسره بود همون (ـه)) ولی اگه فتحه بود همیشه (کسره) فقط یک استثناء داریم و اون هم در باب «افعال» هست که کسره به «فتحه» تبدیل می شه. پس همزه فعل امر در باب «افعال» همیشه مفتوح (ـه) هست.

«... اِزْجِعِي إِلَى رَبِّكَ ...» (فعل امر از «تَرْجِعِينَ»)	به سوی پروردگارت بازگرد.
«و اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ» (فعل امر از «تَسْتَعِينُونَ»)	و از بردباری و نماز یاری بجوئید.

< به وزن های ماضی، مضارع، مصدر و امر باب های «اسْتِفْعَالٌ، اِفْتِعَالٌ، اِنْفِعَالٌ، اِفْعَالٌ» دقت کنید تا آن ها را با یکدیگر اشتباه نگیرید. (با ذکر یک نمونه فعل براتون توضیح دادیم).

باب	ماضی	مضارع	مصدر	امر
اسْتِفْعَالٌ	اسْتَعْفَرَ (آمزش خواست)	يَسْتَعْفِرُ (آمزش می خواهد)	اسْتِعْفَارٌ (آمزش خواستن)	اسْتَعْفِرْ (آمزش)
اِفْتِعَالٌ	اِفْتَنَعَ (خودداری کرد)	يَمْتَنِعُ (خودداری می کند)	اِمْتِنَاعٌ (خودداری کردن)	اِمْتَنِعْ (خودداری کن)
اِنْفِعَالٌ	اِنْسَحَبَ (عقب نشینی کرد)	يُنْسَحِبُ (عقب نشینی می کند)	اِنْسِحَابٌ (عقب نشینی کردن)	اِنْسَحِبْ (عقب نشینی کن)
اِفْعَالٌ	اَجْلَسَ (نشاند)	يُجْلِسُ (می نشاند)	اِجْلَاسٌ (نشاندن)	اَجْلِسْ (نشاند)

< به فعل های ماضی و امر این چهار باب دقت کنید، حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی) در ماضی، فتحه (ـه) و در امر، کسره (ـه) است.

مِنْ فَضْلِكُمْ اجْتَهَدُوا. (خرداد ۱۴۰۰)      لطفاً تلاش کنید.  
 فعل امر از «تَجْتَهَدُونَ»

۱۳. «المُعَامَلَة» مصدر باب «مُفَاعَلَة» و به معنای «رفتار کردن» است.  
 ۱۴. «شاهدوا: مشاهده کنید، ببینید» فعل امر است (عین الفعل آن کسره دارد) و نباید آن را با «شاهدوا: مشاهده کردند، دیدند» که ماضی است اشتباه گرفت.  
 ۱۵. «الإِجْتِهَاد» مصدر باب «إِفْتِعَال» و به معنای «تلاش کردن» است.  
 ۱۶. «أروا: نشان دهید» فعل امر از «تَرَوْنَ» است.  
 ۱۷. «أُزْسِلْ» فعل امر از باب «إِفْعَال» به معنای «بفرست» است.  
 ۱۸. «اسْتَغْفِرُوا: آمرزش بخواهید» فعل امر است (عین الفعل آن کسره دارد) و نباید آن را با فعل ماضی «اسْتَغْفَرُوا: آمرزش خواستند» اشتباه گرفت.  
 ۱۹. «أَحْسِنُوا: نیکی کنید» فعل امر از باب «إِفْعَال» است. («أَحْسَنُوا: نیکی کردند» فعل ماضی است.)

۲۰. «إِعْمَلُوا» فعل امر و به معنای «عمل کنید» است.  
 ۲۱. «أَذْكُرُوا» فعل امر و به معنای «یاد کنید» است.  
 ۲۲. «أُزْسِلُوا» فعل امر از باب «إِفْعَال» و به معنای «بفرستید» است. («أُزْسِلُوا: فرستادند»، فعل ماضی است.)  
 ۲۳. «تَذَكَّرْ: به یاد آور» فعل امر از باب «تَفَعُّل» است.  
 ۲۴. «أُزْسِلُوا: بفرستید» فعل امر از باب «إِفْعَال» است.  
 ۲۵. «اسْتَغْفِرْ: آمرزش بخواه» فعل امر از باب «اسْتِفْعَال» است. («اسْتَغْفِرْ: آمرزش خواست»، فعل ماضی است.)

۲۶. «تَنَاصَرُوا: همیاری کنید» فعل امر از باب «تَفَاعُل» است. (دقت کنید: «تَنَاصَرُوا» می‌تونه ماضی هم باشه (همیاری کردند)؛ ولی با توجه به کلمه «رَجَاءً: لطفاً» که معنای درخواست کاری رو می‌دهد و نیز ضمیر متصل «كُم» در «أَصْدِقَائِكُمْ» که بر مخاطب دلالت دارد، این فعل در معنای امر است.)  
 ۲۷. گزینه «۳»: «إِمْتِنِعْ» فعل امر از باب «إِفْتِعَال» است و با توجه به «أَيُّهَا الْحَارِسُ» که بر مفرد مذکر مخاطب دلالت دارد، در صیغه «للمخاطب» آمده است.  
 ۲۸. گزینه «۲»: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ...» بر جمع مذکر مخاطب دلالت دارد؛ بنابراین فعل امر «أَعْبُدُوا» در همین صیغه مناسب جای خالی است.

۱۵. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← الإِجْتِهَاد. (خرداد: ۹۹)  
 ۱۶. «هَذَا خَلَقَ اللَّهُ فَأَرْوِي...» (خرداد: ۹۹)  
 ۱۷. أُرْسِلَ (فرستاد) ← أُرْسِلْ. (دی: ۹۹)  
 ۱۸. أَيُّهَا النَّاسُ، اسْتَغْفِرُوا لِدُنُوبِكُمْ. (خرداد: ۹۸)  
 ۱۹. «أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (دی: ۹۸ - دی: ۹۷)  
 ۲۰. عَمِلَ (عمل کرد) ← إِعْمَلُوا. (دی خارج: ۱۴۰۰)  
 ۲۱. ذَكَرَ (یاد کرد) ← أذْكُرُوا رَبَّكُمْ. (دی خارج: ۱۴۰۰)  
 ۲۲. أُرْسِلَ (فرستاد) ← أُرْسِلُوا. (خرداد: ۱۴۰۰)  
 ۲۳. تَذَكَّرَ (به یاد آورد) ← رَجَاءً تَذَكَّرْ. (خرداد: ۱۴۰۰)  
 ۲۴. أُرْسِلَ (فرستاد) ← أُرْسِلُوا الْكِتَابَ. (خرداد: ۱۴۰۰)  
 ۲۵. اسْتَغْفَرَ (آمرزش خواست) ← اسْتَغْفِرْ. (دی خارج: ۹۹)  
 ۲۶. رَجَاءً تَنَاصَرُوا مَعَ أَصْدِقَائِكُمْ. (خرداد: ۹۹)

انتخب الفعل المناسب للفراغ:  
 ۲۷. يَا أَيُّهَا الْحَارِسُ! ..... عَنِ النَّوْمِ. (دی: ۱۴۰۱)  
 (۱) اِمْتَنِعْ (۲) يَمْتَنِعْ (۳) اِمْتَنِعْ  
 ۲۸. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ ..... رَبِّكُمْ الَّذِي خَلَقَكُمْ» (شهریور: ۱۴۰۰)  
 (۱) اُعْبُدَنَّ (۲) اَعْبُدُوا (۳) يَعْْبُدَنَّ

پاسخ سؤالات

۱. «أَحْسِنُوا: نیکی کنید» (فعل امر از باب «إِفْعَال» است).  
 ۲. «إِجْلِسُوا: بنشینید» (فعل امر از «تَجَلِيسُونَ» است).  
 ۳. «اسْتَرْجِعْ: پس بگیر» (فعل امر از «تَسْتَرْجِعُ» است).  
 ۴. «أَنْصُرِي: یاری کن» (فعل امر از «تَنْصُرِينَ» است).  
 ۵. «تَكَلَّمُوا: سخن بگویید» (فعل امر از «تَتَكَلَّمُونَ» و باب «تَفَعُّل» است).  
 ۶. «عَلِّمْ: یاد بده» (فعل امر از باب «تَفْعِيل» است).  
 ۷. «تَعَلَّمُوا: بیاموزید، یاد بگیرید» فعل امر از باب «تَفَعُّل» است. (دقت کنید: «تَعَلَّمُوا» می‌تونه ماضی هم باشه (فراگرفتند) ولی با توجه به کلمه «رَجَاءً: لطفاً» که معنای درخواست کاری رو می‌ده، این فعل در معنای امر هست.)  
 ۸. «اسْتَغْفِرُوا: آمرزش بخواهید» فعل امر است (عین الفعل آن کسره دارد.) و نباید آن را با فعل ماضی «اسْتَغْفَرُوا: آمرزش خواستند» اشتباه گرفت.  
 ۹. «اسْتِغْفَار» مصدر باب «اسْتِفْعَال» و به معنای «آمرزش خواستن» است.  
 ۱۰. «تَذَكَّرَنَّ: به یاد آورید» فعل امر از باب «تَفَعُّل» است. (دقت کنید که فعل «تَذَكَّرَنَّ: به یاد آوردند» ماضی هم می‌تواند باشد ولی با توجه به ندایی بودن جمله «أَيُّهَا...»، این فعل، امر است.)  
 ۱۱. «إِجْتَهَدُوا» فعل امر از باب «إِفْتِعَال» و به معنای «تلاش کنید» است. («إِجْتَهَدُوا: تلاش کردند» ماضی است).  
 ۱۲. «قَاتِلْ: بجنگ» فعل امر از باب «مُفَاعَلَة» است.

ساخت فعل امر از صیغه‌های غایب و متکلم:

• حرف «لـ» باید بر سر فعل‌های غایب و متکلم نیز نوعی دیگر از فعل امر به شمار می‌رود. (دقت کنید که «لـ» امر غایب و متکلم، آخر فعل را ساکن می‌کند و نون دارها، نونشون حذف میشه به جز نون جمع مؤنث.)

لِيُرْجِعْ ← باید برگردد (لـ به فعل مضارع غایب)

لَايُبْحَثْ ← باید جست‌وجو کنم (لـ به فعل مضارع متکلم)

این نوع از فعل امر به صورت زیر ترجمه می‌شود:

باید + مضارع التزامی



ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالیة:

۱. اِشْتَعَلَ (کار کرد) ← المَهْنَدُسُ لِيَسْتَعِلَ فِي المَصْنَعِ. (شهریور داخل و خارج ۱۴۰۲)
۲. كَتَبَ (نوشت) ← لِنَكْتُبُ جُملاً جَمِيلَةً فِي دَفْتَرِنَا. (مرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)
۳. سَاعَدَ (کمک کرد) ← الأَعْيَاءُ لِيُسَاعِدُوا الفُقَرَاءَ. (دی ۱۴۰۱)
۴. صَنَعَ (ساخت) ← النَّجَّازُ لِيَصْنَعُ مِئْصَدَةً. (خرداد ۱۴۰۱)
۵. تَدَكَّرَ (به یاد آورد) ← لِيَتَدَكَّرَ دَرَسَهُ. (دی ۱۴۰۰)
۶. اِجْتَهَدَ (تلاش کرد) ← لِيَجْتَهِدَ. (خرداد خارج ۹۹)
۷. اِمْتَنَعَ (خودداری کرد) ← لِنَمْتَنِعَ. (آذر ۱۴۰۱)
۸. نَجَحَ (موفق شد) ← لِيَنْجَحَ. (شهریور ۹۸)
۹. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُوَ لِيُسَاعِدَ. (شهریور ۹۹)
۱۰. أَرْسَلَ (فرستاد) ← لِيُرْسِلَ. (دی ۹۹)
۱۱. لِنَقْرَأُ هَذِهِ القِصَّةَ لِكَيْ نَطَّلِعَ عَلَى أفعالِ الإنسانِ. (خرداد ۹۸ - دی خارج ۱۴۰۰)

پاسخ سؤالات

۱. باید کار کند (ل + فعل مضارع غایب (يَسْتَعِلُ) ← لِيَسْتَعِلَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۲. باید بنویسیم (ل + فعل مضارع متکلم (نَكْتُبُ) ← لِنَكْتُبُ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۳. باید کمک کنند (ل + فعل مضارع غایب (يُسَاعِدُونَ) ← لِيُسَاعِدُوا (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۴. باید بسازد (ل + فعل مضارع غایب (يَصْنَعُ) ← لِيَصْنَعُ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۵. باید به یاد بیاورد (ل + فعل مضارع غایب (يَتَدَكَّرُ) ← لِيَتَدَكَّرَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۶. باید بکوشد (تلاش کند) (ل + فعل مضارع غایب (يَجْتَهِدُ) ← لِيَجْتَهِدَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۷. باید خودداری کنیم (ل + فعل مضارع متکلم (نَمْتَنِعُ) ← لِنَمْتَنِعَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۸. باید موفق شود (ل + فعل مضارع غایب (يَنْجَحُ) ← لِيَنْجَحَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۹. باید کمک کند (ل + فعل مضارع غایب (يُسَاعِدُ) ← لِيُسَاعِدَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۱۰. باید بفرستد (ل + فعل مضارع غایب (يُرْسِلُ) ← لِيُرْسِلَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
۱۱. باید بخوانیم (ل + فعل مضارع متکلم (نَقْرَأُ) ← لِنَقْرَأُ (امر غایب) ← مضارع التزامی)

• فعل معلوم: فعلی است که فاعل آن در جمله مشخص و معلوم باشد.

أَكَلَ الطِّفْلُ طَعَامَهُ. کودک غذایی را خورد.

• تشخیص فعل ماضی مجهول

حرف ما قبل آخر: کسره (ـِ)

حروف حرکت دار قبل از حرف آخر: ضمه (ـُ)

كَتَبَ مجهول ← كُتِبَ (نوشته شد)

اِكْتَسَبَ مجهول ← اُكْتُسِبَ (به دست آورده شد)

• تشخیص فعل مضارع مجهول

حرف ما قبل آخر: فتحة (ـَ)

حرف مضارعه: ضمه (ـُ)

يَكْتُبُ مجهول ← يُكْتُبُ (نوشته می شود)

• در ترجمه فعل ماضی مجهول از فعل کمکی «شدن» استفاده می کنیم.

نُصِبَ لَهُ مِئْبَرٌ. منبری برایش نصب شد. (برپا شد)

• در ترجمه فعل مضارع مجهول از فعل «می شود» و مشتقات آن استفاده می کنیم.

عِنْدَ الشُّدَّائِدِ يُعْرِفُ الإِخْوَانُ. هنگام سختی ها، برادران شناخته می شوند.

ایستگاه سؤال

ترجم الأفعال التالیة:

۱. ذَكَرَ (یاد کرد) ← هُمَا تُذَكِّرَانِ بِالْخَيْرِ. (مرداد داخل و خارج ۱۴۰۳)
۲. أَمَرَ أَنْوَشِرَوَانَ أَنْ يُعْطِيَ لِلْفَلَاحِ ألفَ دِينَارٍ. (اردیبهشت ۱۴۰۲ - دی ۹۸)
۳. لَا تَطْلِمِ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُطْلَمَ. (اردیبهشت ۱۴۰۲)
۴. شَجَعَ (تشویق کرد) ← التَّلْمِذَاتُ يُسَجِّعْنَ فِي الصَّفِّ. (خرداد ۱۴۰۱)
۵. عَفَرَ (آمرزید) ← لَا يُعْفَرُ المُحْطِئُ. (دی ۱۴۰۰)
۶. «خُلِقَ الإنسانُ ضَعِيفاً» (دی ۱۴۰۰)
۷. قَطَعَ (برید) ← قُطِعَتِ شَجَرَةٌ. (شهریور ۱۴۰۰)
۸. خَلَقَ (آفرید) ← خُلِقَ. (دی ۹۹)
۹. يُحَكِّي أَنَّ مزارِعاً كَانَتْ لَهُ مَرْزَعَةٌ كَبِيرَةٌ. (دی ۹۹)
۱۰. قَطَعَ (برید) ← مَا قُطِعَ رَجَائِي. (دی خارج ۱۴۰۰)
۱۱. تُمْنِحُ جَائِزَةً نَوْبِلَ إِلَى مَنْ يُفِيدُ البَشَرِيَّةَ. (خرداد خارج ۹۹)
۱۲. بِالتَّعْلِيمِ أُرْسِلَتْ. (دی ۹۷ - دی خارج ۹۷)

إِنْتِخِبَ الصَّحِیحُ لِلْفَرَاغِ:

۱۳. «نَزَّلَ المَلَائِكَةُ تَنْزِیلاً» (خرداد ۹۹)
  - ۱) فرود آورده شدند
  - ۲) فرود آورده می شوند
  - ۳) فرود آمدند

۱۴. کَانَ إِزْءَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا ..... (خرداد خارج ۱۴۰۰)  
 (۱) يُدْرِكُ (۲) تَدْرِكُ (۳) يُدْرِكُونَ

پاسخ سوالات

۱. یاد کرده می‌شوند («تُدْرِكُونَ» فعل مضارع مجهول است.)
۲. داده شود («يُعْطَى» فعل مضارع مجهول است.)
۳. ستم‌دیده شوی («أَنْ تُظَلَّمَ» فعل مضارع مجهول است.)
۴. تشویق می‌شوند («يُسَبِّحُونَ» فعل مضارع مجهول است.)
۵. آرزویده نمی‌شود («لَا يُعْفَرُ» فعل مضارع منفی مجهول است.)
۶. آفریده شد («خُلِقَ» فعل ماضی مجهول است.)
۷. بریده شد («فُطِعَتْ» فعل ماضی مجهول است.)
۸. آفریده شد («خُلِقَ» فعل ماضی مجهول است.)
۹. حکایت می‌شود («يُحْكَى» فعل مضارع مجهول است.)
۱۰. بریده نشد («مَا قُطِعَ» فعل ماضی منفی مجهول است.)
۱۱. داده می‌شود، بخشیده می‌شود («تُمنَحُ» فعل مضارع مجهول است.)
۱۲. فرستاده شدم («أُرْسِلْتُ» فعل ماضی مجهول است.)
۱۳. گزینه «۱»: فرود آورده شدند («نَزَّلَ» فعل ماضی مجهول است.)
۱۴. گزینه «۲»: درک نمی‌شود، به‌دست آورده نمی‌شود («لَا تَدْرِكُ» فعل مضارع منفی مجهول است و با توجه به کلمه «غایه» که مفرد مؤنث آمده، فعل نیز در همین صیغه (مفرد مؤنث) می‌آید.)

لا تَحْزَنِي (مرا غمگین نمی‌کند)  
 «ن» دوم وقایه است و ضمیر «ی» مفعول است و «مرا» ترجمه می‌شود.  
 أَعْنِي (کمکم کن، به من کمک کن) ← أَعْنِ (فعل امر) + ن + ی (أَعْنِي)  
 بنابراین با توجه به «ن» متوجه می‌شویم که نون دوم وقایه است. (عَوْن)

ایستگاه سؤال

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ:

۱. سَاعَدَ (کمک کرد) ← الطَّلَابُ سَاعَدُونِي. (دی ۱۴۰۱)
۲. حَفِظَ (حفظ کرد) ← قَدْ حَفِظَنِي إِيمَانِي. (خرداد ۹۹)
۳. عَامَلَ (رفتار کرد) ← عَامِلِنِي. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۴. عَلَّمَ (یاد داد) ← عَلَّمَنِي عِلْمَكَ. (خرداد خارج ۱۴۰۰)
۵. سَاعَدَ (کمک کرد) ← زَجَاءَ سَاعِدُنِي. (دی خارج ۱۴۰۰ - دی ۱۴۰۰)
۶. سَاعَدَ (کمک کرد) ← زَجَاءَ سَاعِدُونِي. (خرداد خارج ۹۸)
۷. سَاعَدَ (کمک کرد) ← هُمْ سَاعَدُونِي. (دی خارج ۹۸ - تیر ۹۸)
۸. أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ. (دی خارج ۹۷)
۹. عَيَّنْ نَوْنَ الْوَقَايَةِ: (خرداد ۱۴۰۱)

پاسخ سوالات

۱. به من کمک کردند (سَاعَدُوا (فعل ماضی) + ن (وقایه) + ی (ضمیر متصل))
۲. مرا حفظ کرده است (قَدْ حَفِظَ (ماضی نقلی) + ن (وقایه) + ی (ضمیر متصل))
۳. با من رفتار کن (عَامِلْ (فعل امر) + ن (وقایه) + ی (ضمیر متصل))
۴. به من یاد بده (عَلِّمْ (فعل امر) + ن (وقایه) + ی (ضمیر متصل))
۵. به من کمک کن (سَاعِدْ (فعل امر) + ن (وقایه) + ی (ضمیر متصل))
۶. به من کمک کنید (سَاعِدُوا (فعل امر) + ن (وقایه) + ی (ضمیر متصل))
۷. به من کمک کردند (سَاعَدُوا (فعل ماضی) + ن (وقایه) + ی (ضمیر متصل))
۸. مرا یاری دهید (أَعِينُوا (فعل امر) + ن (وقایه) + ی (ضمیر متصل))
۹. گزینه «۱»: «مرا حفظ کن (احم) (فعل امر) + ن (وقایه) + ی (ضمیر متصل)»  
**بررسی گزینه (۲):**  
 «لا تَحْزَنِي» فعل نهی از «تَحْزَنِينَ» است و «ن» در آن جزء ریشه فعل است و وقایه نمی‌باشد. (حَزَنَ: ریشه فعل)

نون وقایه  
 ۹  
 تکرار

- هرگاه فعلی (ماضی، مضارع، امر) به ضمیر «ی» متصل شود میانشان «نون» می‌آید که به آن «وقایه» گفته می‌شود.
- ◀ أَخَذَ + ن (وقایه) + ی ← أَخَذَنِي (مرا بُرَد)
- ضمیر متصل «ی» پس از «نون وقایه» مفعول است و به صورت «مرا / به من» ترجمه می‌شود.
- ◀ أُرْسِدُنِي ← مرا راهنمایی کن.  
 فعل + ن + ی

ماضی / مضارع / امر + ن + ی ← ترجمه ضمیر (ی) (به من، مرا)

فعل‌هایی که «نون» آخرین حرف اصلی آن‌هاست مانند «يَحْزَنُ، سَكَنَ، يَفِنَ، حَسِنَ و...» فقط هنگامی «نون» وقایه دارند که علاوه بر «نون» خود، حرف «نون» دیگری هم داشته باشند.

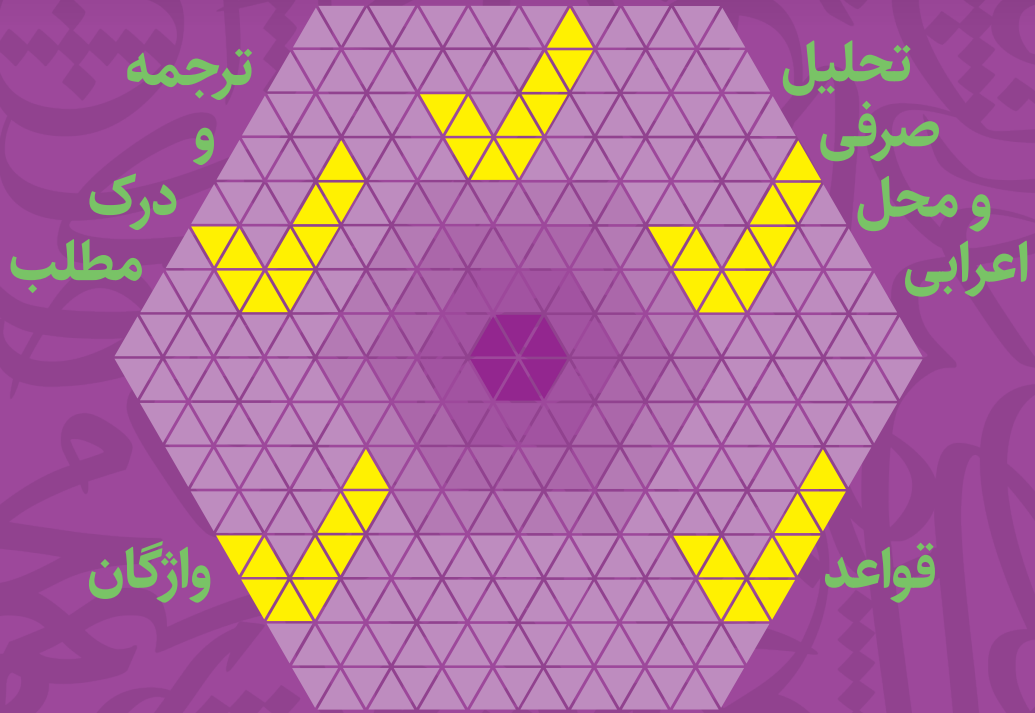
لا تَحْزَنِي (غمگین نشو)  
 «ن» جزو خود کلمه است و ضمیر «ی» مفعول ترجمه نمی‌شود؛ بلکه فاعل هست.

يا أختي الكريمة أحسني إلى المساكين.  
 ای خواهر بخشنده‌ام به بیچارگان نیکی کن.

فعل «أَحْسِنِي» امر از «تُحْسِنِينَ» می‌باشد و ریشه فعل «حَسِنَ» هست، پس «نون» جزء ریشه اصلی فعل است و چون «ن» دیگری نداریم ضمیر «ی» ضمیر متصل فاعلی هست.

# پاسخنامہ تشریحی

ترجمہ فعل



ترجمه فعل

پاسخ بخش اول

- ۱ «أُحْسِنُوا: نیکی کنید» (فعل امر از باب «إفعال» است.)
- ۲ نیکی می‌کرد (كَانَ + فعل مضارع «يُحْسِنُ» ← ماضی استمراری)
- ۳ نیکی نمی‌کنند (لا + فعل مضارع «يُحْسِنُونَ» ← مضارع منفی)
- ۴ یاد کرده می‌شوند («تَذَكَّرَانِ» فعل مضارع مجهول است.)
- ۵ یاد خواهیم کرد (س + فعل مضارع «أَذْكُرُ» ← مستقبل))
- ۶ یاد نکردی (ما + ذَكَرْتَ ← ما ذَكَرْتَ ماضی منفی))
- ۷ نخواهد نوشت (لَنْ + فعل مضارع «يَكْتُبُ» ← لَنْ يَكْتُبُ (مستقبل منفی))
- ۸ باید بنویسیم (لِ + فعل مضارع متکلم «تَكْتُبُ» ← لِنَكْتُبُ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
- ۹ وانمود نمی‌کند (لا + فعل مضارع «يَتَّظَاهَرُ» ← مضارع منفی)
- ۱۰ وانمود نکنید (لا + تَتَّظَاهَرُونَ) ← لا تَتَّظَاهَرُوا (نهی))
- ۱۱ وانمود نکردم (ما + تَظَاهَرْتُ ← ما تَظَاهَرْتُ (ماضی منفی))
- ۱۲ درس می‌دهد («يُدْرِسُ» فعل مضارع از باب «تَفْعِيل» است.) ← مضارع اخباری
- ۱۳ درس بخوانم
- ۱۴ (أَنْ + فعل مضارع «أُدْرِسُ» ← أَنْ أَدْرِسَ ← مضارع التزامی)
- ۱۵ درس می‌دادند (كَانُوا + فعل مضارع «يُدْرِسُونَ» ← ماضی استمراری)
- ۱۶ نخواهیم نشست (لَنْ + فعل مضارع «نَجْلِسُ» ← لَنْ نَجْلِسَ (مستقبل منفی))
- ۱۷ (أَجْلِسُوا: بنشینید) (فعل امر از «تَجْلِسُونَ» است.)
- ۱۸ یاری کردند («نَصَرُوا» فعل ماضی صیغه جمع مذکر غایب است.)
- ۱۹ یاری خواهند کرد (سَوْفَ + فعل مضارع «يُنْصِرُونَ» ← مستقبل))
- ۱۹ «أُنْصِرِي: یاری کن» (فعل امر از «تَنْصِرِينَ» است.)
- ۲۰ «تَكَلَّمُوا: سخن بگویید» (فعل امر از «تَتَكَلَّمُونَ» و باب «تَفْعُل» است.)
- ۲۱ سخن بگوید («مَنْ: هرکس ← ادات شرط» / «يَتَكَلَّمُ» فعل شرط است ← مضارع التزامی)
- ۲۲ سخن نگفت (ما + تَكَلَّمْتُ ← ما تَكَلَّمْتُ (ماضی منفی))
- ۲۳ عبادت نکنید (لا + تَعْبُدُونَ ← لا تَعْبُدُوا (نهی))
- ۲۴ عبادت نمی‌کنم (لا + فعل مضارع «أَعْبُدُ» ← مضارع منفی)
- ۲۵ گزینه «۲»: «يُحْسِنُ» (با توجه به فعل کمکی «كَانَ» فعل نیز مطابق با آن مفرد مذکر غایب می‌آید. [رد گزینه ۱] در ضمن با توجه به ترجمه عبارت فعل معلوم می‌آید نه مجهول. [رد گزینه ۳])
- ۲۶ گزینه «۱»: «يُحْسِنُ» (با توجه به فاعل «الْمُتَفَرِّجُونَ» که بر جمع مذکر دلالت دارد فعل نیز جمع مذکر می‌آید اما چون در ابتدای جمله آمده به صورت مفرد آورده می‌شود. [رد گزینه‌های (۲) و (۳)])
- ۲۷ کار نخواهد کرد (لَنْ + فعل مضارع «يَشْتَغِلُ» ← لَنْ يَشْتَغِلَ (مستقبل منفی))
- ۲۸ باید کار کند (لِ + فعل مضارع غایب «يَشْتَغِلُ» ← لِيَشْتَغِلَ (امر غایب) ← مضارع التزامی)
- ۲۹ کار می‌کردند (كَانُوا + فعل مضارع «يَشْتَغِلَانِ» ← ماضی استمراری)
- ۳۰ خودداری نکنید (لا + تَمْتَنِعُونَ ← لا تَمْتَنِعُوا (نهی))
- ۳۱ خودداری خواهیم کرد (سَوْفَ + فعل مضارع «نَمْتَنِعُ» ← مستقبل))
- ۳۲ خودداری نکرد (لَمْ + يَمْتَنِعُ ← لَمْ يَمْتَنِعْ (ماضی منفی))
- ۳۳ گزینه «۲»: «ضامير متصل «ها» در كلمه «إِنَّهَا» بر مفرد مؤنث غایب دلالت دارد بنابراین فعل در همین صیغه می‌آید. [رد گزینه (۳)] در ضمن «لَمْ» حرکت حرف آخر فعل مضارع را از ضمه به ساکن تبدیل می‌کند. [رد گزینه (۱)]
- ۳۴ گزینه «۳»: «(با توجه به فاعل «وُؤَسَاءُ» که جمع مکسر و مذکر است فعل به صورت مذکر می‌آید [رد گزینه (۱)] و چون فعل غایب در ابتدای جمله آمده به صورت مفرد می‌آید. [رد گزینه (۲)])
- ۳۵ پس نگرفت (لَمْ + يَشْتَرِجُ ← لَمْ يَشْتَرِجْ (ماضی منفی))
- ۳۶ «اشْتَرِجُ: پس بگیر» (فعل امر از «تَشْتَرِجُ» است.)
- ۳۷ پس نخواهد گرفت (لَنْ + فعل مضارع «تَشْتَرِجُ» ← لَنْ تَشْتَرِجَ (مستقبل منفی))
- ۳۸ پس نگیر (لا + تَشْتَرِجُ ← لا تَشْتَرِجْ (نهی))
- ۳۹ پس خواهد گرفت (س + فعل مضارع «يَشْتَرِجُ» ← مستقبل)
- ۴۰ گاهی پس می‌گیریم، شاید پس بگیریم (قَدْ + فعل مضارع «نَشْتَرِجُ»)
- ۴۱ گزینه «۳»: «(أَمْتَنِعُ» فعل امر از باب «إفْتِعَال» است و با توجه به «أَيُّهَا الْحَارِسُ» که بر مفرد مذکر مخاطب دلالت دارد، در صیغه «لِلْمُخَاطَبِ» آمده است.
- ۴۲ گزینه «۲»: «يَحْضُرُ» (با توجه به «السُّيَّاحُ» که جمع مکسر است و نیز در اول جمله، فعل غایب به صورت مفرد می‌آید.) ← گردشگران در سالن فرودگاه حاضر می‌شوند.
- ۴۳ «اشْتَعَفُوا: آموزش بخواهید» فعل امر است (عین الفعل آن کسره دارد.) و نباید آن را با فعل ماضی «اشْتَعَفُوا: آموزش خواستند» اشتباه گرفت.
- ۴۴ آموزش نخواهد خواست (لَنْ + فعل مضارع «يَسْتَعْفِرُ» ← لَنْ يَسْتَعْفِرَ (مستقبل منفی))
- ۴۵ «اشْتَعَفُوا» مصدر باب «اشْتَفَعَال» و به معنای «آموزش خواستن» است.
- ۴۶ نباید بازی کند
- ۴۷ (لا (نهی) + فعل غایب «تَلْعَبُ» ← لا تَلْعَبُ ← مضارع التزامی منفی)
- بازی کرده بودند (كَانُوا + قَدْ + فعل ماضی «لَعِبُوا» ← ماضی بعید)



- ۴۸ گاهی بازی می‌کند، شاید بازی کند (قَد + فعل مضارع (يَلْعَبُ))
- ۴۹ گزینه «۲»: تَلَجَّأُ (با توجه به کلمه «الطُّيُور» که جمع مکسر غیرعاقل است، فعل در صیغه مفرد مؤنث می‌آید؛ «تَلَجَّأُ») ← گاهی پرندگان به چاره‌اندیشی پناه می‌برند.
- ۵۰ گزینه «۳»: حَضَرُوا («الرُّمَاء») جمع مذکر است و فعل در وسط عبارت مطابق با آن جمع مذکر می‌آید. ← هم‌کلاسی‌ها در سالن امتحان حاضر شدند.
- ۵۱ پنهان نکن (لا + تَكْتُمُ ← لا تَكْتُمُ ← نهی)
- ۵۲ پنهان نکرده بود (ماکانَ + قَد + فعل ماضی (كَتَمَ) ← ماضی بعید منفی)
- ۵۳ پنهان نخواهند کرد (لَنْ + فعل مضارع (يَكْتُمُونَ) ← لَنْ يَكْتُمُوا ← مستقبل منفی)
- ۵۴ به یاد می‌آورند («يَتَذَكَّرُونَ» فعل مضارع و از باب «تَفَعَّلُ» است. ← مضارع اخباری)
- ۵۵ به یاد نمی‌آورد (کانتَ + لا + فعل مضارع «تَتَذَكَّرُ» ← ماضی استمراری منفی)
- ۵۶ «تَذَكَّرْنَ: به یاد آورید» (فعل امر از باب «تَفَعَّلُ» است. دقت کنید که فعل «تَذَكَّرْنَ: به یاد آورند» ماضی هم می‌تواند باشد ولی با توجه به ندایی بودن جمله «أَيُّهَا...»، این فعل، امر است.)
- ۵۷ گزینه «۲»: لا تَعْلَمُونَ (با توجه به فعل کمکی «كُنْتُمْ» فعل نیز در صیغه جمع مذکر مخاطب می‌آید.) ← ترجمه آیه شریفه: پس این روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید.
- ۵۸ گزینه «۱»: ذَكَرْتُ («المؤمنات» جمع مؤنث است و نیز فعل غایب در ابتدای جمله مفرد مؤنث می‌آید.) ← مؤمنان پروردگارش را یاد کرده‌اند.
- ۵۹ باید بسازد (ل- امر) + فعل غایب (يَصْنَعُ) ← لِيَصْنَعُ ← مضارع التزامی)
- ۶۰ نساز (لا + تَصْنَعُ ← لا تَصْنَعُ ← نهی)
- ۶۱ نخواهد ساخت (لَنْ + فعل مضارع (يَصْنَعُ) ← لَنْ يَصْنَعُ (مستقبل منفی))
- ۶۲ تشویق نکردند (لَمْ + يُشَجِّعَانِ ← لَمْ يُشَجِّعَا ← ماضی منفی)
- ۶۳ تشویق کرده بودند (کانوا + قَد + فعل ماضی (شَجَّعُوا) ← ماضی بعید)
- ۶۴ تشویق می‌شوند («يُشَجِّعْنَ» فعل مضارع مجهول است.)
- ۶۵ گزینه «۲»: لا يَزِحَمُ («الله» مفرد مذکر است؛ بنابراین فعل در همین صیغه می‌آید، در ضمن در گزینه (۱) حرکت آخر فعل فتحه گرفته و نادرست است. (بادتون باشه حرف «لا») نفی آخر فعل رو تغییر نمی‌دهد.) ← خداوند به کسی که به مردم رحم نمی‌کند، رحم نمی‌کند.
- ۶۶ گزینه «۱»: يَزِحْصُ («كُلُّ شَيْءٍ») بر مفرد مذکر دلالت دارد؛ بنابراین فعل در همین صیغه مناسب جای خالی است.) ← هر چیزی ارزان می‌شود هرگاه زیاد شود، به جز ادب.
- ۶۷ آفریده شد («خُلِقَ» فعل ماضی مجهول است.)
- ۶۸ بحث نکنید (لا + تُجَادِلُونَ ← لا تُجَادِلُوا ← نهی)
- ۶۹ تصمیم گرفت («فَزَرَ» فعل ماضی صیغه مفرد مذکر غایب است.)
- ۷۰ آموزش می‌خواهم («أَسْتَفْؤُ» فعل مضارع و از باب «اشتفعال» است. ← مضارع اخباری)
- ۷۱ گزینه «۲»: أُعْبِدُوا («يَا أَيُّهَا النَّاسُ...» بر جمع مذکر مخاطب دلالت دارد؛ بنابراین فعل امر «أُعْبِدُوا» در همین صیغه مناسب جای خالی است.
- ۷۲ گزینه «۱»: حَضَرَ (فعل غایب در ابتدای جمله مفرد می‌آید و «جمع» مذکر است؛ بنابراین مذکر نیز می‌آید.) ← همه دانش‌آموزان به جز جواد در سالن امتحانات حاضر شدند.
- ۷۳ بُریده شد («قُطِعَتْ» فعل ماضی مجهول است.)
- ۷۴ می‌بُردند (کانا + فعل مضارع «يَقْطَعَانِ» ← ماضی استمراری)
- ۷۵ نَبْرُ (لا + تَقْطَعُ ← لا تَقْطَعُ (نهی))
- ۷۶ خودداری کرده بود (كَانَ + قَد + فعل ماضی (امْتَنَعَ) ← ماضی بعید)
- ۷۷ خودداری نخواهیم کرد (لَنْ + فعل مضارع (نَمْتَنِعُ) ← لَنْ نَمْتَنِعَ ← مستقبل منفی)
- ۷۸ خودداری نکردند (لَمْ + يَمْتَنِعُونَ ← لَمْ يَمْتَنِعُوا (ماضی منفی))
- ۷۹ گزینه «۳»: لا تَجْتَمِعُ («حَضَلْتَانِ» مثنای مؤنث است؛ بنابراین فعل مؤنث می‌آید. [رد گزینه ۱]، در ضمن فعل غایب ابتدای جمله مفرد آورده می‌شود. [رد گزینه ۲]. ترجمه عبارت: دو ویژگی در مؤمن جمع نمی‌شود: خسیس بودن و دروغ.
- ۸۰ گزینه «۱»: رَجَعُوا (با توجه به «الآعبون» که جمع مذکر است، فعل نیز در همین صیغه می‌آید.) ← بازیکنان ایرانی بالبخند از مسابقه بازگشتند.
- ۸۱ نباید بجنگد (لا (نهی) + فعل غایب (يُقَاتِلُ) ← لا يُقَاتِلُ ← مضارع التزامی منفی)
- ۸۲ نخواهید جنگید (لَنْ + فعل مضارع (تُقَاتِلُونَ) ← لَنْ تُقَاتِلُوا ← مستقبل منفی)
- ۸۳ «قاتل: بجنگ» فعل امر از باب «مُفَاعَلَةٌ» است.
- ۸۴ فرستاده بود (كَانَ + قَد + فعل ماضی (أَرْسَلَ) ← ماضی بعید)
- ۸۵ نفرست (لا + تُرْسِلُ ← لا تُرْسِلُ (نهی))
- ۸۶ نفرستادیم (لَمْ + تُرْسِلُ ← لَمْ تُرْسِلْ (ماضی منفی))
- ۸۷ گزینه «۳»: يَسْتَمِعُونَ («الطلاب» جمع مذکر است و فعل نیز مطابق با آن جمع مذکر می‌آید.) ← دانش‌آموزان به سخن استاد خود گوش فرامی‌دادند.
- ۸۸ گزینه «۲»: حَضَلُوا («العلماء» جمع مذکر است و فعل نیز در همین صیغه می‌آید.) ← دانشمندان به جوایز نوبل در زمینه‌های شیمی دست یافتند.
- ۸۹ نبوسید (لم + فعل مضارع (يُقَبِّلُ) ← لَمْ يُقَبِّلْ (ماضی منفی) / ماضی نقلی منفی) / «انزعج: ناراحت شد» فعل ماضی است.
- ۹۰ حکایت می‌شود («يُحْكِي» فعل مضارع مجهول است.) / پرورش می‌داد (كَانَ + فعل مضارع «يُرْبِي» ← ماضی استمراری)
- ۹۱ احساس کرده بود (كَانَ + قَد + فعل ماضی (شَعَرَ) ← ماضی بعید) / ساخته است (قَد + بَنَى (فعل ماضی) ← ماضی نقلی)

«مَنْزِلَةُ» «الْحَدِيثِ» «الْعَرَبِيِّ»  
وَدَلَالَةُ الْحَدِيثِ

تاج

٥

تجزیہ  
و ترکیب  
کتاب  
درسی

فہرست  
مبصر

۳ عربی انسانی

محمود عاشوری



# فرمول تجزیه

به بررسی ویژگی های  
فردی و ساختاری کلمه  
بیرون از جمله در فارسی  
«تجزیه» و در زبان عربی  
«تحلیل صرفی» می گوئیم،  
و به پیدا کردن نقش و  
موقعیت کلمات در جمله  
در فارسی «ترکیب» و در  
زبان عربی «محل اعرابی»  
می گوئیم.  
در این کتابچه کلمات و  
جملات کتاب درسی را  
تجزیه و ترکیب کرده ایم.

تهران، میدان انقلاب  
نیش بازار چه کتاب

[www.gajmarket.com](http://www.gajmarket.com)

# فهرست

## درس اول مِنَ الْأَشْعَارِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ (ع)

بسته اول: متن درس ۳

بسته دوم: تمرین ۶

## درس دوم الْوَجْهُ النَّافِعُ، وَالْوَجْهُ الْمُضِرُّ

بسته اول: متن درس ۱۲

بسته دوم: تمرین ۲۰

## درس سوم ثَلَاثُ قِصَصٍ قَصِيرَةٍ

بسته اول: متن درس ۲۹

بسته دوم: تمرین ۳۷

## درس چهارم نِظَامُ الطَّبِيعَةِ

بسته اول: متن درس ۴۰

بسته دوم: تمرین ۴۸

## درس پنجم يَا إِلَهِي

بسته اول: متن درس ۵۵

بسته دوم: تمرین ۵۶

# مِنَ الْأَشْعَارِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ (ع)

لغفاً قبل از مطالعه این کتابچه، درس‌نامه «تجزیه و ترکیب» را از کتاب اصلی (صفحات ۲۰۲ تا ۲۱۱ عربی ۳ فرمول بیست) بخوانید.

متن درس

بیست

مِنَ الْأَشْعَارِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ (ع) (از اشعار نسبت داده شده به امام علی (ع))

الدَّاءُ وَ الدَّوَاءُ (بیماری و دارو)

عبارت: دَوَاؤُكَ فَيْكَ وَ مَا تُبْصِرُ وَ دَاؤُكَ مِنْكَ وَ لَا تُشْعُرُ

**ترجمه روان:** دارویت در [وجود] خودت است و نمی‌بینی و بیماری‌ات [نیز] از خودت است و احساس نمی‌کنی.

**بررسی کلمه‌های مهم:** دَوَاؤُكَ: (دَوَاؤُ: مبتدا و مرفوع / كَ: مضاف‌إلیه) / فَيْكَ: جارّ و مجرور، خبر / مَا تُبْصِرُ: فعل مضارع منفی، ثلاثی مزید از باب «إفعال» / دَاؤُكَ: (دَاؤُ: مبتدا و مرفوع / كَ: مضاف‌إلیه) / مِنْكَ: جارّ و مجرور، خبر / لَا تُشْعُرُ: فعل مضارع منفی، ثلاثی مجرّد

**نکته:** برای منفی کردن فعل مضارع، علاوه بر «لا»، گاهی از حرف «ما» نیز استفاده می‌شود (ما تُبْصِرُ: نمی‌بینی)

عبارت: أَ تَزَعَمُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ وَ فَيْكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ

**ترجمه روان:** آیا می‌پنداری که تو جسمی کوچک هستی؟ حال آن‌که جهان بزرگ‌تر در تو به هم پیچیده شده است.

**بررسی کلمه‌های مهم:** أَ: حرف استفهام / تَزَعَمُ: فعل مضارع، مفرد مذکر مخاطب / انْطَوَى: از حروف مشبّهة بالفعل / كَ: اسم «أَنَّ» / جِرْمٌ: خبر «أَنَّ» و مرفوع / صَغِيرٌ: صفت و مرفوع به تبعیّت از «جِرْمٌ» / فَيْكَ: جارّ و مجرور / انْطَوَى: فعل ماضی، مفرد مذکر غایب، ثلاثی مزید از باب «انفعال» / الْعَالَمُ: فاعل و مرفوع / الْأَكْبَرُ: اسم تفضیل، صفت و مرفوع به تبعیّت از «الْعَالَمُ»

**نکته:** تمامی ادوات استفهام (کلمات پرسشی)، اسم هستند به جز «هل» و «أ» که حرف محسوب می‌شوند.

النَّاسُ أَكْفَاءٌ (مردم یکسان هستند).

عبارت: النَّاسُ مِنْ جِهَةِ الْأَبَاءِ أَكْفَاءٌ أَبُوهُمْ أَدَمٌ وَ الْأُمُّ حَوَاءُ

**ترجمه روان:** مردم از نظر اجداد و نیاکان یکسان اند، پدرشان آدم و مادرشان [شان] حواست.

**بررسی کلمه‌های مهم:** النَّاسُ: مبتدا و مرفوع / جِهَةٌ: مجرور به حرف جر / الْأَبَاءُ: جمع مکسّر، مضاف‌إلیه / أَكْفَاءٌ: خبر و مرفوع / أَبُوهُمْ: (أَبُو: مبتدا / هَم: مضاف‌إلیه) / أَدَمٌ: معرفه به عَلَم، خبر و مرفوع / الْأُمُّ: مبتدا و مرفوع / حَوَاءُ: خبر و مرفوع

**عبارت:** وَقَدَرُ كُلِّ امْرِئٍ مَا كَانَ يُحْسِنُهُ وَ لِلرَّجَالِ عَلَى الْأَفْعَالِ أَسْمَاءُ

**ترجمه روان:** و ارزش هر آدمی به چیزی (کاری) است که آن را به خوبی انجام می‌دهد و انسان‌ها به واسطه کارها [یشان] نام‌هایی دارند. (یعنی ارزش واقعی انسان‌ها به کردار آن‌هاست.)

**بررسی کلمه‌های مهم:** قَدَرُ: مبتدا و مرفوع / كَلُّ: مضاف‌إلیه و مجرور / امْرِئٍ: مضاف‌إلیه و مجرور / ما: اسم موصول عام، خبر / كانَ: از افعال ناقصه / يُحْسِنُهُ: (يُحْسِنُ: فعل مضارع، ثلاثی مزید از باب «إفعال») / ه: مفعول) / لِلرَّجَالِ: جارّ و مجرور / على الأفعال: جارّ و مجرور

**نکته:** اگر بعد از کلمه «كُلُّ» اسم نکره بیاید، آن را «هر» ترجمه می‌کنیم. (كُلُّ امْرِئٍ: هر مردی، هرانسانی)

**عبارت:** فَفَزِعْ عِلْمٌ وَلَا تَطْلُبْ بِهِ بَدَلًا فَالْتَأَسُ مَوْتِي وَ أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ

**ترجمه روان:** پس دانش را کسب کن و برای آن جایگزینی نخواه که مردم، مرده و اهل دانش زنده‌اند.

**بررسی کلمه‌های مهم:** فَزِعَ: فعل امر از «فازَ يَفوزُ»، مفرد مذکر مخاطب، ثلاثی مجرّد / لا تَطْلُبْ: فعل نهی / بدلاً: مفعول و منصوب / التأس: مبتدا و مرفوع / موتي: جمع مکشّر، خبر / أهل: مبتدا و مرفوع / العِلْمِ: مضاف‌إلیه و مجرور / أَحْيَاءُ: جمع مکشّر، خبر

**الْفَخْرُ بِالْعَفَافِ (افتخار به پاکدامنی است.)**

**عبارت:** أَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ إِنَّمَا النَّاسُ لِأُمَّمٍ وَ لِأَبِّ

**ترجمه روان:** ای افتخارکننده به اصل و نسب از روی نادانی (ای که نابخردانه به دودمان افتخار می‌کنی)، مردم تنها از یک مادر و یک پدرند.

**بررسی کلمه‌های مهم:** الفاخِر: اسم فاعل از ثلاثی مجرّد / بالنَّسَبِ: جارّ و مجرور / النَّاسُ: مبتدا و مرفوع / لِأُمَّمٍ / لِأَبِّ: جارّ و مجرور، خبر / لِأَبِّ: جارّ و مجرور

**نکته:** اگر بعد از «إِنَّمَا» اسم بیاید، نقش مبتدا را دارد.

**عبارت:** هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِصَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نَحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ

**ترجمه روان:** آیا آنان را می‌بینی که از نقره یا آهن یا مس یا طلا آفریده شده‌اند؟

**بررسی کلمه‌های مهم:** هل: حرف استفهام (پرسشی) / تَرَاهُمْ: (تَرَى: فعل مضارع، مفرد مذکر مخاطب، ثلاثی مجرّد / هم: مفعول) / خُلِقُوا: فعل ماضی مجهول، جمع مذکر غایب / فِصَّةٍ: مجرور به حرف جر

**عبارت:** بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ سَوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ

**ترجمه روان:** بلکه آنان را می‌بینی که از [تکه] گلی آفریده شده‌اند. آیا به جز گوشت و استخوان و عصب (پی) هستند؟

**بررسی کلمه‌های مهم:** طِينَةٍ: مجرور به حرف جر / لَحْمٍ: مضاف‌إلیه و مجرور

**نکته:** ضمایر متصل (ه، هما، هم...ک، گما، گم... ی، نا) اگر به آخر فعل متصل شوند، نقش مفعول دارند.

**عبارت:** إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَقْلِ ثَابِتٍ وَ حَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ أَدَبٍ

**ترجمه روان:** افتخار تنها به خردی استوار، شرم، پاکدامنی و ادب است.

**بررسی کلمه‌های مهم:** الفخْرُ: مبتدا و مرفوع / لعقلٍ: جارّ و مجرور، خبر / ثابتٍ: اسم فاعل از ثلاثی مجرّد، صفت و مجرور به تبعیّت از «عقلی»

صفت و مجرور به تبعیّت از «عقلی»

**عبارت:** دَاوَأْنَا فِينَا وَ نَحْنُ نَنْظُرُ إِلَيْهِ، وَ دَاوَأْنَا مِنَّا وَ نَحْنُ نَشْعُرُ بِهِ.

**ترجمه روان:** داروی ما در ماست و ما به آن می‌نگریم و بیماری ما از [خود] ماست و ما آن را احساس می‌کنیم.

**بررسی کلمه‌های مهم:** دَاوَأْنَا: (دَوَاء: مبتدا و مرفوع / نا: مضاف‌إلیه) / فِينَا: جَاؤُ و مجرور - خبر / نَحْنُ: مبتدا / نَنْظُرُ: فعل مضارع، ثلاثی مجزّده - خبر / إِلَيْهِ: جَاؤُ و مجرور / دَاوَأْنَا: (دَاء: اسم، مفرد مذکر - مبتدا و مرفوع / نا: مضاف‌إلیه) / مِنَّا (= من + نا): جَاؤُ و مجرور - خبر / نَحْنُ: مبتدا / نَشْعُرُ: فعل مضارع، ثلاثی مجزّده - خبر / به: جَاؤُ و مجرور

**عبارت:** الْفَخْرُ لِلْعَقْلِ وَ الْخِيَاءِ وَ الْعَفَافِ وَ الْأَدَبِ.

**ترجمه روان:** افتخار به خرد، شرم، پاکدامنی و ادب است.

**بررسی کلمه‌های مهم:** الْفَخْرُ: مبتدا و مرفوع / للعقل: جَاؤُ و مجرور - خبر

**عبارت:** خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ طَيِّبَةٍ وَ هُوَ لَحْمٌ وَ عَظْمٌ وَ عَصَبٌ.

**ترجمه روان:** انسان از گل آفریده شده در حالی که او گوشت و استخوان و بی است.

**بررسی کلمه‌های مهم:** خُلِقَ: فعل ماضی، مجهول / الْإِنْسَانُ: نایب فاعل و مرفوع / طَيِّبَةٍ: مجرور به حرف جر / هُوَ: مبتدا / لَحْمٌ: خبر و مرفوع

**عبارت:** عِبَارَتُ: قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ بِأَعْمَالِهِ الْحَسَنَةِ.

**ترجمه روان:** ارزش هر انسانی به کارهای نیک اوست.

**بررسی کلمه‌های مهم:** قِيمَةُ: مبتدا و مرفوع / كُلِّ: مضاف‌إلیه و مجرور / امْرِئٍ: اسم، مفرد، مذکر - مضاف‌إلیه و مجرور / بِأَعْمَالِهِ: (بِأَعْمَالِ: جَاؤُ و مجرور - خبر / ه: مضاف‌إلیه) / الْحَسَنَةُ: صفت برای «أعمال»

**عبارت:** التَّفَاخُزُ بِالتَّنَسُّبِ مَحْمُودٌ.

**ترجمه روان:** افتخار کردن به اصل و نسب پسندیده است.

**بررسی کلمه‌های مهم:** التَّفَاخُزُ: اسم، مصدر ثلاثی مزید از باب «تفائل» - مبتدا و مرفوع / بالتَّنَسُّبِ: جَاؤُ و مجرور / محمودٌ: اسم مفعول از ثلاثی مجزّده - خبر و مرفوع

**عبارت:** أَهْلُ الْعِلْمِ أَحْيَاءٌ وَ إِنْ مَاتُوا.

**ترجمه روان:** اهل دانش زنده‌اند اگرچه مرده باشند.

**بررسی کلمه‌های مهم:** أَهْلُ: مبتدا و مرفوع / الْعِلْمِ: مضاف‌إلیه و مجرور / أَحْيَاءٌ: خبر و مرفوع / مَاتُوا: فعل ماضی، جمع مذکر غایب، ثلاثی مجزّده